

بیانه حزب کمونیست کارگری ایران در مورد اعتراضات جاری:

طنین مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر خامنه ای در خیابانها، صفحه ۸



پیام حمید تقوایی: موقعیت ویژه جنبش معلمان و اعتصابات سراسری
صفحه ۲

اهمیت و امکان بایکوت جهانی جمهوری اسلامی
گفتگو با کاظم نیکخواه، صفحه ۴

شورش کرسنگان، شورش برای معیشت و منزلت
یاشار سهندی، صفحه ۶

پیش بوی اعتصاب عمومی
شهلا دانشفر، صفحه ۳

پرونده سازی رسوا علیه معلمان، فعالین کارگری و شهروندان فرانسوی را شنیدیم
حزب کمونیست کارگری، صفحه ۱۰

کارزای بین المللی علیه پرونده سازی علیه معلمان فعالین کارگری و دو فعال سندیکایی فرانسوی و دستگیریه
صفحات ۱۱-۱۵

اخرودا: یکی دیگر از یکشنبه های اعتراض باز نشستن تاسین اجتماعی
صفحه ۹

تجمع اعتراضی کارگران شهرداری یاسوج، و کارزار معلمان در حمایت از بهکاران خود
صفحه ۹

حکومت اسلامی ایران باید از سازمان جهانی کار اخراج شود!
کمپین برای آزادی کارگران زندانی، صفحه ۱۷

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۷۲۸

۲ خرداد اردیبهشت ۱۴۰۱

۲۳ مه ۲۰۲۲



چهارشنبه ها منتشر میشود

پیش بوی اعتصابات سراسری!

حمید تقوایی، صفحه ۲

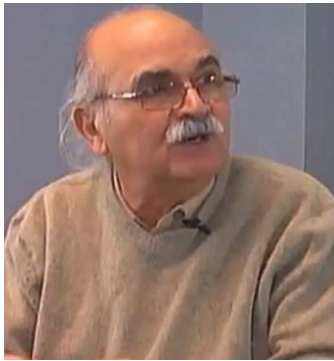
رانندگان زندانی، معلمان
زندانی و دستگیرشدگان
اعتراضات اخیر باید فوراً و
بی قید و شرط آزاد شوند
صفحه ۷

اعتصاب رانندگان شرکت واحد
تهران بخش بی آر تی
صفحه ۷

اعتصاب کارگران معدن
فاریاب
صفحه ۵

اعتصاب کارگران قراردادی
نفت و کارگران شهرداری
صفحه ۸

برگرفته از مدیای اجتماعی
صفحات ۱۶-۱۸



پیام حمید تقوایی: موقعیت ویژه جنبش معلمان و اعتصابات سراسری

اعتصابات سراسری کارگران و دیگر بخشهای جامعه ایفا کنید. سوت آغاز را میتوانی شما به صدا در آورید.

اعتصابات سراسری ستون فقرات و پشتوانه محکم شورش گرسنگان است. ستون فقرات خیزشی که کوبنده و تعرضی در حال گسترش است. برای تداوم، پیشروی و به نتیجه رسیدن این خیزش توده ای باید با اعتصاب بمیدان آمد. وقت آنست که پرچم اعتصابات سراسری را بلند کنیم و گام بلندی برای تحقق خواستهای برحق همه مردم پیاخته به جلو برداریم.

دستتان را به گرمی میفشام و برایتان آرزوی موفقیت دارم.

به امید پیروزی

۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۱، ۲۰ مه ۲۰۲۲

شغلیتان با بخش اعظم جامعه در ارتباط هر روزه هستید. مردمی که فرزندان مدرسه رو دارند، اولیای دانش آموزان، خودشان را در مبارزه شما سهیم می بینند. شما علاوه بر خواستهای برحق صنفی تان، خواستار رایگان کردن آموزش در تمام سطوح هستید، خواستار ارتقای استاندارد و کیفیت بالای آموزشی هستید، خواست شما غیر عقیدتی و غیر ایدئولوژیک کردن آموزش است. یعنی درواقع جدائی مذهب از سیستم آموزشی را خواهان هستید. اینها خواستهای همه مردم است. و به همین دلیل است که خانواده های دانش آموزان با شما هستند، همراه شما هستند و اعتصاب شما حمایت وسیع اکثریت قریب باتفاق مردم را با خود خواهد داشت. والدین دانش آموزان در بخشی از تجمعات اعتراضی شما شرکت کرده اند و مطمئن باشید که همگی پشتیبان اعتصاب شما هم خواهند بود.

این جایگاه ویژه اجتماعی به شما معلمان عزیز این امکان را میدهد که نقش نمونه و پیشرونی در شکل گیری

و شما معلمان مدتهاست که همین پرچم را بلند کرده اید و در مقابل این وضعیت دست به تجمعات اعتراضی گسترده و سراسری زده اید. امروز زمان آن فرارسیده که اعتراضات و تجمعات شما به اعتصاب سراسری منجر بشود. فی الحال بخشهایی از کارگران، رانندگان و کارگران واحد در اعتصاب هستند، کارگران حفاری صنعت نفت در اعتصاب اند، رانندگان کامیون اعلام کرده اند که در تدارک اعتصاب سراسری هستند، و در میان رانندگان مترو، کارگران شهرداری، آتش نشانی و بخشهای مختلف جامعه هم گفتمان اعتصاب مطرح است.

در این میان نقش شما معلمان در سازمانیافتن و شکلگیری اعتصابات سراسری میتواند تعیین کننده باشد. دلایل موقعیت اجتماعی شما هست. جنبش شما در سطح کشور گسترده است، در هر منطقه و شهر و در هر روستائی حضور دارید، فعال هستید و این موقعیت اجتماعی به مبارزات شما شکلی فراگیر و سراسری داده است. از طرف دیگر شما بخاطر موقعیت

مخاطب من در این پیام معلمان شریف و مبارز هستند. شما معلمانی که با مبارزات پیگیرتان در مقابله با وضعیت فلاکتبار معیشتی که حکومت بجامعه تحمیل کرده است نقش مهمی داشته اید. شما در واقع خواستهای برحق اکثریت عظیم مردم، مردم بزرگ خط فقر رانده شده، را نمایندگی میکنید و به همین دلیل اکثریت قریب باتفاق مردم با شما همدل اند، با شما همراه اند و حامی شما هستند. جمهوری اسلامی تلاش میکند با بگیر و ببند و پرونده سازیهای رسوا و نخ نمای امنیتی اعتراضات شما را به عقب براند و سرکوب کند. اما دوره، دوره پیشروی است. دوره تعرض بیشتر است. تا همینجا پاسخ کوبنده کانون صنفی شما به پرونده سازیهای اخیر حکومت نشانه اینست که این تلاشها و ترفندهای حکومت دیگر کارائی ندارد و دوره این نوع توطئه های سرکوبگرانه تماما به سر رسیده است.

امروز جامعه یکپارچه پیاخته و ما شاهد شورش گرسنگان علیه گرانی و تورم و علیه شرایط مشقت بار معیشتی هستیم.

حمید تقوایی

پیش بوی اعتصابات سراسری!



میتواند سپر محافظتی، ستون فقرات و پشتوانه محکمی باشد برای توده مردمی که امروز علیه گرانی و گرسنگی به خیابانها ریخته اند و کل حکومت را بچالش میکشند. اعتصابات ما ماشین دولتی را فلج خواهد کرد، توان سرکوب شورش گرسنگان را از حکومت سلب خواهد کرد و راه پیشروی و پیروزی یک جامعه پیاخته را هموار خواهد نمود.

۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۱، ۲۰ مه ۲۰۲۲

برای همه ما کارگران. در حال حاضر کارگران حفاری صنعت نفت در حال اعتصابند و در میان کارگران شهرداری، در میان رانندگان و کارگران مترو، کارگران راه آهن، کارگران آتش نشانی و بخشهای دیگر خدماتی نیز زمزمه اعتصاب به گوش میرسد. آنها هم قصد دارند علیه این شرایط مشقت بار معیشتی و برای افزایش دستمزدها و رسیدن به دیگر خواستهای برحقشان دست به اعتصاب بزنند. این تحرک امیدبخشی است!

اعتصاب ما کارگران افق روشنی را در برابر مردم بزرگ خط فقر رانده شده قرار میدهد و به کل جامعه امید می بخشد. ما با گسترش اعتصابات نه تنها میتوانیم حکومت را به عقب برانیم و خواستهایمان را به او تحمیل کنیم، بلکه اعتصاب ما

دست به اعتصاب زدند. یک اعتصاب سراسری و پر شکوه در بیش از ۱۶۰ شهر از ۲۵ استان. در این چهارساله نه تنها وضع کارگران بهبودی پیدا نکرده بلکه سخت تر و وخیم تر هم شده است. کارگران در اطلاعیه شان میگویند در ۴ سال گذشته هر روز با درد و رنجهای فراوانی دست بگیران بوده اند. میگویند سفره هایشان هر روز کوچکتر و کوچکتر شده و امروز در آستانه نابودی قرار گرفته اند.

این شرایطی است که همه ما کارگران با آن روبرو هستیم. و راه برون رفت از این وضعیت، راه تحمیل خواستهایمان به حکومت، اعتصاب است. اکنون رانندگان کامیون هم به رانندگان شرکت واحد می پیوندند. و این میتواند مدل و الگویی باشد

اخیرا رانندگان کامیون و کامیونداران اطلاعیه ای منتشر کرده اند و اعلام کرده اند که قصد دارند برای رسیدن به خواستهای برحقشان دست به اعتصاب سراسری بزنند.

اعتراض رانندگان هم مثل اعتراضات همه کارگران و توده مردم علیه شرایط غیر قابل تحمل معیشتی و علیه گرانیها و تورم نجومی است. رانندگان مشخصا در اطلاعیه شان اعلام کرده اند خواستار تامین امنیت شغلی، کاهش بهای سوخت و لوازم یدکی، تامین امکانات رفاهی در پایانه ها، و جلوگیری از چپاول دسترنج کارگران از طرف مافیای حمل و نقل هستند.

چهار سال قبل، در سال ۹۷، هم رانندگان کامیون با خواستهای مشابهی

شهلا دانشفر

پیش‌بوی اعتصاب عمومی



همین رو اعتصاب آنان بطور عملی کل فضای شهر تهران را تحت تأثیر قرار داد و کار را در سطح تهران فلج کرد. و دیدیم که شب قبل از آن چگونگی شورای امنیت جمهوری اسلامی در هراس از این موضوع و سراسیمه جلسه گرفت و مدارس و ادارات را به بهانه آلودگی هوا تعطیل اعلام کرد. و این تعطیلی تا آخر هفته اعلام شد.

از سوی دیگر جمهوری اسلامی ون های نظامی خود را برای جابجایی مسافری به خیابان آورد. همچنین شبانه تعدادی راننده را آموزش دادند که با ماشین های سپاه کار رانندگی را انجام دهند. همینطور از شهر کرج تعدادی اتوبوس به تهران آوردند و همه این تلاشها را کردند تا به این طریق اعتصاب کارگران را کم رنگ کنند. ضمن اینکه با دستگیری و تهدید امنیتی و در کنار آن تفرقه افکنی، سعی در شکستن اعتصاب کارگران داشتند. اما رانندگان بی آر تی روز بیست و هفتم اردیبهشت نیز دست به اعتصاب و تجمع زدند و اعلام کردند که تا وقتی به خواستشان پاسخ داده نشود به اعتراضاتشان ادامه خواهند داد.

این اتفاقات تا همین جا قدرت اعتصاب کارگران اتوبوس رانی بی آر تی بعنوان یک بخش خدماتی در جامعه را به نمایش گذاشت. این کارگران همانطور که اشاره کردم کارشان ارتباط مستقیمی با توده وسیع مردم دارد. این کارگران به جمعیت میلیونی مردم وصل هستند و اعتصاب آنها در فضای سیاسی پر جنب و جوش امروز جامعه بسیار مهم است. اگر خاطرتان باشد سال ۸۴ کارگران شرکت واحد در تهران دست به اعتصاب زدند و دیدیم چه انعکاس وسیعی در کل جامعه داشت. نکته مهم اینجاست که امروز اعتراض این کارگران در فضای پر تحرک و اعتراضی جامعه تأثیر به مراتب عمیق تری دارد. بعلاوه همانطور که اشاره کردم اکنون بخش های دیگر شهرداری مثل مترو، آتش نشانی و برق فشار قوی و همینطور کارگران مخابرات بر سر خواست افزایش دستمزدها در تدارک اعتراض هستند و به تحرک در آمدن این بخش ها ما به ازای اجتماعی وسیعی دارد و میتواند کار در بخش های مختلف جامعه را تحت تأثیر

و افزایش حقوقها خواست سراسری کارگران در نفت است و یک تأکید مهم آنها این است که مزد هیچ کارگری امروز نباید از ۱۶ میلیون تومان کمتر باشد. بدین ترتیب هم اکنون اعتراضات در میان کارگران قرارداد موقت نفت، کارگران پیمانی پروژه ای و بخش های بسیاری از نفت گسترده است.

این در حالیست که موضوع اعتراض کارگران قرارداد موقت نفت و اعتراضات کارگران بخش های خدماتی ای چون بی آر تی شرکت واحد که هم اکنون در اعتراضند و دیگر بخش های شهرداری که همگی پیمانی هستند مشترک است. در قبال کارگران در تمام این بخش ها دولت حتی حاضر به افزایش دستمزدها بر اساس مصوبه شورای عالی کار خود که دستمزدی چند برابر زیر خط فقر است، نیست. و با توجه به سونامی گرانی که کل جامعه علیه آن برخاسته است، این موضوع موجب اعتراض گسترده در میان کارگران قرارداد موقت نفت، بی آر تی شرکت واحد و دیگر بخش های شهرداری و بسیاری مراکز کارگری دیگر شده است. بدین ترتیب این اعتراضات از یکسو کارگران نفت این بخش مهم و کلیدی صنعتی در ایران را در بر میگیرد و از سوی دیگر بخش مهمی از کارگران خدماتی در شهرداری که کار آنها مستقیماً با مردم در ارتباط قرار دارند را در بر میگیرد و قابلیت این را دارد که فوراً به اعتراضات در کف خیابان وصل شود و به آن قدرت و نیرو بخشد.

بطور مثال اعتصاب کارگران بی آر تی شرکت واحد در این هفته نه فقط فضای تهران را تحت تأثیر قرار داد، بلکه در سطح سراسری تأثیر گذاشت و روح تازه به فضای سیاسی جامعه داد. یک دلیل بارز آن جایگاه اعتصابات در فضای سیاسی امروز و دلیل دیگرش موقعیت اجتماعی این بخش از کارگران است. اعتصاب کارگران بی آر تی شرکت واحد جایگاه مهم اعتصابات در بخش خدماتی کارگری را به روشنی به نمایش گذاشت. کارگران بی آر تی روزانه یک میلیون و نیم مسافر را جا میزنند. از

در حالیکه اعتراضات در بخش های مختلف کارگری بویژه بخش های کلیدی ای چون نفت و کارگران بخش های خدماتی در اشکال اعتصاب و تجمعات سراسری گسترش می یابد، مردم و جوانان به خیابانها آمده و با فریاد مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر خامنه ای و رئیس، خشم و نفرت خود را نسبت به حکومت جهانی اسلامی اعلام میکنند. خشم و نفرت از این حکومت از سرتاپای جامعه میجوشد. یک ابزار اجتماعی بسیار موثر که برای مقابله با حکومت لازم است به سوی آن گام برداشته شود، اعتصاب عمومی است. اعتصاب عمومی در کنار تجمعات و اعتراضات و شعار دادن و امثال اینها میتواند کل ماشین سرکوب حکومت را فلج و زمین گیر کند. اما باید زمینه های آن را فراهم کرد و آگاهانه به سوی آن گام برداشت.

زمینه چنین حرکتی هر روز بیشتر در جامعه فراهم میشود. اعتراضات و اعتصابات بخشهای مختلف کارگران با آنکه در شرایط کنونی با خواستهای فوری معیشتی و صنفی انجام میشود اما فضای اعتراض را گسترده تر و داغتر کرده است. بهم پیوستن این اعتراضات و اعتصابات و متحد و هماهنگ عمل کردن بخشهای مختلف مردم میتواند موفقیت و پیشروی مردم را در مقابل حکومت بیشتر تضمین کند.

به اعتراضات همین هفته نگاه کنیم. روز ۲۸ اردیبهشت کارگران در شرکت های بهره برداری کارون، آغا جری و مارون برای چندمین بار در اعتراض به افزایش ناچیز ده درصدی دستمزدها و در دفاع از زندگی و معیشت خود در برابر این تعرض دست به اعتراض زدند. در این تجمعات کارگران شعار میدادند: "افزایش ده درصدی، تورم صد در صدی" و با این شعار اعتراض آنها به اعتراضات مردمی در کف خیابان وصل شد. در همین رابطه قبلاً نیز کارگران شرکت های بهره برداری نفت در گچساران و خارک تجمعاتی داشتند و خواستار افزایش حقوقها بر اساس ارقام درخواستی خود شده بودند. بعلاوه اینکه کوتاه شدن دست پیمانکاران

قرار دهد.

بعلاوه ما اعتراضات معلمان را داریم که همچنان پیگیر مطالباتشان هستند و جانانه در مقابل سرکوبگری های حکومت ایستاده اند. ما یکشنبه های اعتراض بازنشستگان و اعتراضات کشاورزان اصفهان و در همین مدت اعتراضات دانشجویان در دانشگاهها، تجمعات سراسری دامداران و اعتراضات بخش های مختلف کارگری را داشته ایم. همچنین گوشه ای از قدرت جنبش دادخواهی را در ماجرای دادگاهی شدن حمید نوری به جرم دست داشتن در اعدامهای سال ۶۷ و درخواست حکم حبس ابد برای وی از سوی دادستانی دادگاه در سوئد را هم شاهد بودیم.

به موازات همه این رویدادها و اعتراضات ما امروز شاهد این هستیم که شهر به شهر مردم به پا میخیزند و به خیابان می آیند و با شعارهای ضد حکومتی و مرگ بر دیکتاتور فریاد اعتراضشان را به گرانی ها و وضعیت فاجعه بار زندگی و معیشتشان بلند کرده اند و زندگی ای شاد و انسانی را فریاد میزنند. این چنین است که جامعه با شتاب بسوی اعتصابی عمومی و فراگیر خیز برداشته است و میرود تا ماشین حکومتی جمهوری اسلامی فلج کند. به این اعتبار اوضاع به مراتب از زمان خیزش مردمی در آبان ۹۸ جلوتر آمده و انقلابی رهایی بخش را در چشم انداز نزدیک جامعه قرار داده است.

اعتصابات سراسری، حمایتی و اتحاد جنبش های مبارزاتی در سطح جامعه بر سر خواستهای مشترک گامهای مهمی است که به این حرکت شتاب بیشتری میدهد. از همین رو تأکید من به شکل دادن آگاهانه به چنین سطحی



لندن و قبل از آن دادگاه انتاریو در کانادا، گوشه هایی از جنایات این حکومت در دهه شصت و بعد از آنرا را به مردم دنیا نشان داد. هرچه این نوع دادگاهها بیشتر تشکیل شود و چهره این دیو خبیث اسلامی بیشتر افشا شود، رابطه و مرادوه و دوستی با این حکومت برای دولتها مشکل تر میشود.

من بسیار امیدوارم که بتوانیم دنیا را علیه جمهوری اسلامی بسیج کنیم و یک جبهه بین المللی علیه آن ایجاد کنیم و همراهی مردم دنیا را با جنبش سرنگونی حکومت اسلامی در ایران بسیار تقویت کنیم. این مقدمه سرنگونی حکومت اسلامی و پایان دادن به چهار دهه چپاول و قتل و زندان و یکه تازی مذهب و اوباش اسلامی در این کشور است.

بتوانیم یک حرکت قدرتمند در این جهت ایجاد کنیم و در آینده نه چندان دوری بایکوت جهانی این نیروی خبیث ضد بشری و جنایتکار عملی شود.

کارگر کمونیست: اهمیت بایکوت جهانی جمهوری اسلامی را در چه می بینید؟

کاظم نیکخواه: اهمیت بایکوت جمهوری اسلامی در سطح جهان اینست که یک جبهه جهانی فعال علیه این حکومت بنفع مردم این کشور که میخواهند از شر آن خلاص شوند ایجاد میشود. صفوف این حکومت بیش از پیش از فشار بین المللی به هم میریزد و کار سرنگونیش را برای ما راحت تر میکند.

هم اکنون بدرجه زیادی جمهوری اسلامی بدلیل عملکردهایش بعنوان یک حکومت منفور و تروریست و مرتجع و عقب مانده و ستون ارتجاع در دنیا شناخته میشود. همین الان نگاه کنید با آدم ربایی و گروگان گیری و قلدری اسم این حکومت به صدر اخبار جهان رفته است. محاکمه حمید نوری و تریبونال مردمی

اهمیت و امکان بایکوت جهانی جمهوری اسلامی

گفتگو با کاظم نیکخواه

کارگر کمونیست: حزب کمونیست کارگری بر بایکوت جهانی جمهوری اسلامی تاکید میکند. بایکوت به چه معناست؟ چه اهمیتی دارد و چگونه عملی میشود؟

کاظم نیکخواه: این در واقع سه سوال در یک سوال است! بایکوت جهانی جمهوری به معنای اینست که این حکومت جنایتکار و ضد بشری از نهادهای بین المللی مثل سازمان ملل، سازمان جهانی کار، نهادهای جهانی ورزش، نهادهای هنری و غیره بیرون انداخته شود. سفارتخانه هایش بسته شوند، کسی حاضر نشود با آنها وارد رابطه دیپلماتیک و حشر و نشر شود و سران و دست اندرکارانش اجازه ورود به کشورهای دیگر را نداشته باشند و اگر احیاناً به هر شکلی گذارشان به هر کشوری افتاد مثل حمید نوری به عنوان قاتل مردم دستگیر و محاکمه شوند، و مرادوات بین المللی با آن قطع شود. خب خیلی دولتها از رابطه با جمهوری اسلامی نفع میبرند و حاضر نیستند بسادگی دست به چنین اقدامی بزنند یا نمیخواهند دردسر کشاکش با جریانات اسلامی وابسته به حکومت و امثالهم را به جان بخرند. اما اگر دولتها ببینند که حکومت اسلامی یک حکومت منزوی و بسیار منفور است و رابطه با حکومت اسلامی به ضررشان تمام میشود و افکار عمومی زیر فشارشان قرار دهد ناچار میشوند عطای مصالح رابطه با جمهوری اسلامی را به لقایش ببخشند.

کارگر کمونیست: آیا فکر میکنید این عملی و امکان پذیر است که دولتها چنین موضعی را در قبال جمهوری اسلامی اتخاذ کنند؟

کاظم نیکخواه: ما انتظار انسان دوستی از دولتها نداریم. میدانیم که خلیهپاشان خود به روی کار آمدن چنین حکومتهایی در دنیا کمک کرده اند و کمک میکنند. بحث بر سر ایجاد یک فضای بین المللی و فشار سیاسی و اجتماعی بر این دولتهاست و این کاملاً

عملی و ممکن است. برای اینکه این فضای بین المللی ایجاد شود تلاش ما اینست که در وهله اول تشکلهای و اتحادیه های کارگران و معلمان و کارکنان و تشکلهای انسان دوست را قانع کنیم که به این حرکت بپیوندند. تاکنون اتحادیه های و تشکلهای و شخصیتهای شناخته شده ای از کانادا و استرالیا و انگلیس و سوئیس از این خواست حمایت کرده اند. این امر کاملاً هم منطقی است و هم بنفع بشریت است که حکومت اسلامی از سازمان جهانی کار اخراج شود. منطقی است چون که این حکومت مدام استانداردهای بین المللی و حقوق پایه ای کارگران و مقابله نامه های سازمان جهانی کار و حقوق انسانی را زیر پا میگذارد، یک سیستم جداسازی و آپارتاید جنسیتی را علیه زنان ایجاد کرده از جریانات آدمکش و تروریست حمایت میکند، در قوانینش سنگسار و اعدام وجود دارد، و تاکنون حتی شمار بسیاری از کودکان را اعدام کرده است، به هواپیمای مسافربری در روز روشن شلیک کرده و ۱۷۷ سرنشین آنرا به قتل رسانده و هزار دلیل دیگر وجود دارد که به هرکس میتوان نشان داد که چرا این حکومت باید بایکوت شود.

همانطور که ما بارها اشاره کرده ایم بایکوت یک حکومت جنایتکار در دنیا بی سابقه نیست و در قرن گذشته حکومت آپارتاید آفریقای جنوبی بایکوت شد و در اواسط قرن گذشته هم نمایندگان دولت هیتلر توسط اتحادیه ها از سازمان جهانی کار اخراج شدند. بنابراین چنین سیاستی مسبوق به سابقه است. بعلاوه باید توجه کرد که نفس گفتمان بایکوت جهانی جمهوری اسلامی مهم و مفید است و این حکومت را بشدت زیر فشار قرار داده است. جمهوری اسلامی یک حکومت بسیار منفور در سطح جهان است و دلایل برای اقناع تشکلهای که از این خواست حمایت کنند کم نیست. مردم دنیا به دلایل مختلف از جمله حمایت این حکومت از تروریستها بشدت از آن متفرنند. من کاملاً این امکان را میدهم که

پیش بوی اغتشاب عمومی...

از اتحاد و همبستگی مبارزاتی در سطح جامعه و تدارک اعتصابات عمومی در شهرهای مختلف است. به عبارت روشتر اتحاد جنبش های اجتماعی مختلف و به عنوان مثال اتحاد مبارزاتی معلمان، بازنشستگان، و بخش های مختلف کارگری در این شرایط بسیار مهم است. بعلاوه اینکه باید ابزار سرکوب را از دست حکومت گرفت و برای اینکار امروز نیاز به یک اتحاد سراسری برای آزادی بازداشت شدگان دوره اخیر از جمله معلمان بازداشتی، بازداشت شدگان اعتصاب کارگران بی آر تی و دیگر فعالین کارگری و بازداشت شدگان اعتراضات مردمی در کف خیابان است. باید همراه با خانواده ها تلاش کنیم که تا نفر آخر دستگیرشدگان اخیر را از زندان آزاد کنیم. تمامی آنها و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند و برای اینکار باید با تمام قدرت به میدان بیاییم. ما میتوانیم با قدرت مبارزات متحدمان همه بازداشت شدگان اخیر را آزاد و در زندانها را باز کنیم. ما میتوانیم جلوی

از صفحه ۳

اعدام ها و سرکوب ها را بگیریم. خلاصه کلام اینکه موضوع اعتراضات امروز در میان بخش های مختلف کارگری و مردم در کف خیابان مشترک است. فریاد همه علیه گرسنگی و بی تামینی و بساط جهنمی جمهوری اسلامی است. و اتحاد مبارزاتی همه بخش های جامعه علیه سونامی گرانی و برای داشتن یک زندگی انسانی یک گام مهم در پیشروی جنبش سرنگونی است. اعتصابات حمایتی بخش های مختلف در همبستگی با مبارزات یکدیگر، اعلام همبستگی های جمعی با مبارزات مردمی و اعتراضات جاری در مراکز کارگری و اتحاد مبارزاتی بر سر خواسته های اعتراضی واحد همه و همه اقدامات مهمی در جهت متحد کردن و قدرت بخشیدن به اعتراضات جاری در کف خیابان و تداوم بخشیدن به آن است. عامل و ریشه گرانی ها و فقر و فلاکت مردم سیستم حاکم و حکومت مافیایی حاکم است. جمهوری اسلامی باید با کل بساط سرکوب و جنایاتش سرنگون شود.

اعتصاب کارگران معدن فاریاب



شد. از سوی دیگر بدنبال اعتصاب ما در آبان ۱۴۰۰ شورای تامین شهر منوجان نامه ای کاذب از قول ما کارگران انتشار داد که گویا مدیریت خواستهای ما را اجرایی کرده است و این باعث ضعیف شدن حمایت مردم از مبارزات ما کارگران معدن شد. اکنون یک خواست ما تکذیب این نامه از سوی شورای تامین است. بدین ترتیب کشمکش شدیدی بین ما کارگران فاریاب و مدیریت دغل باز جریان دارد. معدن فاریاب یکی از بزرگترین معادن کرومیت خاورمیانه است. این معدن یکی از معادن مرگ در ایران است. از جمله در سال گذشته ظرف سه ماه سه تن از همکاران ما به خاطر نا امن بودن محیط کار به اسامی حمید خوره، جانگیری داوری و مهدی آسیابانی در این معدن جانباختند و اعتراضات بسیاری بر سر این موضوع داشتیم. در برابر اعتراضات ما مقرر شد که اقدامات لازم نظارتی در جهت ایمنی محیط کار از سوی اداره کار و مسئولین شرکت معدن صورت گیرد، اما به هیچ کدام از وعده ها عمل نشد. فشار کار در این معدن بر روی ما کارگران بسیار بالاست. برای مثال معدن فاریاب باید ۳۰۰۰ کارگر داشته باشد تا تولید کند، اما الان کار این معدن با ۱۵۰۰ کارگر می چرخد و صاحبان آن با حداقل نیرو و امکانات بیشترین کار را از گرده ما کارگران میکشند و سود کلانی به جیب میزنند. در اعتراض به این وضعیت است که ما اعتراضات بسیاری داشته ایم و اکنون نیز داریم برای اعتصابی بزرگتر آماده میشویم.

معدن فاریاب یکی از کانون های داغ

اعتراض و صدای اعتراض کارگران معدن در ایران است. یک تجربه موفق این کارگران در اعتراضاتشان شرکت وسیع خانواده ها در اعتراضاتشان بوده است. بعلاوه بسیاری از کارگران معدن فاریاب از مردم شهر منوجان و روستاهای اطراف بوده و یک نقطه مثبت دیگر مبارزات آنان جلب حمایت این مردم بوده است.

حزب کمونیست کارگری ضمن حمایت قاطع از مبارزات کارگران معدن فاریاب بر اتکاء به این نقطه قوت و شرکت وسیع خانواده ها و حمایت مردم در منطقه تاکید دارد. حزب همچنین بر اتحاد مبارزاتی این کرگرن با اتکاء به تصمیم گیری جمعی و اتکاء به مجمع عمومی به عنوان محلی برای متشکل شدن و سازمانیابی مبارزات تاکید میکند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۰۲۲ مه ۲۲، ۱۴۰۱ خرداد ۱

روز ۱ خرداد نیمی از کارگران بخش تعمیرگاه و خدمات در معدن فاریاب در اعتراض به تعرضات جدید مدیریت به شرایط کاری و معیشتی خود دست به اعتصاب زدند و به گفته کارگران باقی کارگران نیز در تدارک پیوستن به این اعتراض هستند. گزارش مسوط این اعتصاب را از زبان مهرداد روشنگر یکی از کارگران معدن و از بینندگان برنامه کارگران و یک دنیای بهتر در زیر میخوانید:

"روز ۱ خرداد نیمی از کارگران بخش تعمیرگاه و خدمات در معدن فاریاب در اعتراض به تغییر ساعات کاری خود از ۱۵۷ ساعت در ماه به ۱۹۲ ساعت کار و سطح نازل حقوقها و قراردادهای موقت سه ماه کاری دست به اعتصاب زدند. دیگر بخش های معدن نیز در تدارک پیوستن به این اعتصاب هستند. موضوع اینست که اخیرا طرح های جدیدی در دستور مدیران معدن قرار گرفته که تعرض بیشتر به شرایط کار و معیشت این کارگران است. از جمله بنا به تصمیم گیری در جلسه ۲۵ اردیبهشت اداره کل با مدیران شرکت تصمیم گرفته شده است که قرارداد کارگران سطحی (فضای باز معدن) این معدن از ۱۵۷ ساعت کار در ماه به ۱۹۲ ساعت کار در ماه افزایش یابد، قرارداد ۳۰ نفر از کارگران که در اعتصاب گذشته دادگاهی شدند، لغو شود و قراردادهای کاری ما از سه ماه به یکماه تبدیل گردد. ضمن اینکه مزد ما کارگران تغییری نکرده و

با همه مخلفاتش حدود ۶ میلیون و هشتصد هزار تومان یعنی چند بار زیر خطر فقر است و با توجه به سونامی گرانی و افزایش روز افزون قیمت ها وضع معیشتی مان هر روز بدتر میشود. از سوی دیگر فشار امنیتی بسیار است و هیچگونه امنیت شغلی نیز نداریم.

در برابر این تعرض سازمانیافته ما نیز ساکت ننشسته و همه کارگران خشمگین و معترضند. روز گذشته ۳۱ اردیبهشت طی جلسه ای که با مدیران داشتیم اعلام کردیم که به قرارداد کمتر از یکسال تن نمیدهیم و زیر فشار اعتراض ما مدیر کل نهایتا موافقت کرد که هم زمان دو قرار داد شش ماهه با کارگران بسته شود و ۳۰ همکار اخراجی ما نیز با قرارداد یکماه فعلا سر کار برگردند. ولی هنوز مدیریت شرکت نظر نداده است. ضمن اینکه یک مطالبه مهم ما کارگران معدن فاریاب همواره دائمی شدن قرار دادها بوده است. موضوع دیگر مورد بحث ما در جلسه روز گذشته با مدیریت مخالفت با ۱۹۲ ساعت کار در ماه بود. که به غیر از قسمتهایی چون سنگجوری و چند جای دیگر که قبلا ۱۵۷ ساعت کار بوده، را در بر میگیرد. همچنین بنا بر خبرها رانندگان بولدزر، لودر و بیل تا امروز زیر مجموعه بارگیری و باسکول کار میکردند و اکنون زیر فشار اعتراض کارگران قرار شده است که در زیر مجموعه همان معدن و ۱۵۷ ساعت در ماه کارکنند. در مورد کارگران خاکشویی نیز با ۱۵۷ ساعت کار موافقت

شورش کر سگان، ..

از صفحه ۶

کاملا آگاه است که پیش از بیش به توان خود پی می برد و نیازی به روح یک شاه مومیایی شده ندارد.

کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوما به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست

خاصیتی هستیم"، بیش از آنکه نشان توان حکومت اسلامی در تفرقه انداختن بین ایشان باشد، به این بر میگردد با مردمی طرف هستند که به چیزی کمتر از معیشت و منزلت خود رضایت نمی دهند.

مردمی که در کف خیابان به جنگ یکی از هارترین حکومتهای بورژوازی رفته، همه آزادی و همه رفاه را طلب میکند؛ و حزبی که خود را نماینده طبقه کارگر در مقابل جامعه و نماینده کل جامعه در مقابل حاکمیت تعریف کرده، تضمین کننده این امر است که شورش گرسنگان نه شورشی کور، بلکه شورشی

همه تلاشهای شبانه روزی ای که صورت می گیرد تا مبارزات جاری را به اسم طبقه متوسط، حالا به سوی فقر رانده شده و محذوف شده بزنند، تلاشی از سر ناامیدی است تا شاید بتوانند یک جوهرهایی سدی بر مبارزات جاری باشند و این مبارزات را به راهی دیگر بیندازند. اگر اپوزیسیون راست هر روز تو سر خودش می زند که "ما چه اپوزیسیون بی

گذشته در طی مبارزه ای نفس گیر، کمونیسمی در ایران شکل گرفته که چیزی نگفته و نخواسته جز معیشت و منزلت برای کل جامعه؛ و به صراحت اعلام کرده: اساس سوسیالیسم انسان است. زندگی و کرامت انسانی تماما در رفاه کامل جامعه محقق می شود، و این مهم در شعار "معیشت و منزلت حق مسلم ماست" انعکاس یافته است.



شورش کرسنگان، شورش برای معیشت و منزلت

یاشار سهندی

شکل نگرفته، بلکه در جدال و کشمکش دائمی طبقاتی که در بطن جامعه وجود دارد موجبات شکل گیری این شعار فراهم شده و پشتوانه آن و دلیل تداوم آن نیز تداوم این کشمکش است. شکل گرفتن این شعار نشانگر این است که این مبارزه به خودآگاهی رسیده است.

مفسران و کارشناسان بورژوازی بسیار کوشش می کنند مبارزات جاری را مبارزه ای نامربوط به طبقه کارگر، گرسنگان و هر تلاشی برای رهایی از فقر نشان دهند. گویا بین فقر و آزادی دیوار چین کشیده شده است. که یک طرف برای رفع فقر دست به شورش میزنند و طرف دیگر فارغ از فقر و گرسنگی برای آزادی مبارزه می کند.

شورش گرسنگان؛ کلید واژه ای بوده که سالهاست آنهای که در حکومت و بیرون از حکومت عقلی برایشان مانده به "سران نظام" هشدار داده اند که با سیاستهایی که در پیش گرفته شده مقدمات شورش را فراهم می آورند که در نتیجه آن "نه از تاک اثری می ماند، نه از تاک نشان!" و برای رفع خطر از سر نظام اسلامی توصیه کردند: "یک چیزی جلو اینها باید انداخت" تا ساکت باشند. این توصیه ها در همین حد توهین آمیز را می توان در کلام علی مطهری یافت، که رسماً اعلام کرد که اگر دو کیسه برنج به ستار بهشتی داده می شد او ساکت می شد! و در عین حال به باند رقیب در حاکمیت حالی کنند که بدون حضور ایشان در حاکمیت کاری از پیش نمی رود.

دی ماه ۹۶ فرا رسید و بقول ایشان "حاشیه بر متن" چیره شد. اعتراضاتی که به صراحت اعلام کرد که ماجرا برای کل حکومت به اتمام رسیده است. برخی از این اساتید هاج و واج مانده بودند که با "اصلاحات اقتصادی"، از سردار سازندگی تا احمدی نژاد و روحانی، باید "توانی برای تهیدستان باقی نگذاشته باشد" که در خیابان حضور داشته باشند. و آبان ۹۸، این بار "حاشیه"، طوفان بس سهگین تری براه انداخت.

اساتید که تمامی تئوریهایشان در باب

شعارهای زیادی در دو دهه اخیر در مبارزات مردم علیه حکومت مطرح و محو شدند، اما شعار "معیشت و منزلت حق مسلم ماست" در این فاصله زمانی در بسیاری از اعتراضات انعکاس یافته و از قدرت و اهمیت آن کاسته نشده است. اگر هم مستقیماً این شعار در جمع اعتراضی معینی بیان نشده اما در واقع اعتراضات کارگران و معلمان و پرستاران و بخشهای دیگر جامعه مانند کامیونداران آنچه که خواسته اند به واقع حول همین شعار متمرکز بوده است. هر خواسته مشخص معیشتی و صنفی را، این شعار پوشش میدهد و این شعار تاکید دارد، منزلت امری است که حکومت اسلامی هر گاه بخواهد به آن تن بدهد، باید به رفتن خود رضایت دهد چرا که نفس وجودی این حکومت تحمیل گرسنگی و زیر پا گذاشتن منزلت انسانی است.

بورژوازی صرفاً از سر بد طینتی نیست که گرسنگی را به جامعه تحمیل میکند. بلکه این نتیجه کارکرد روتین نظام سرمایه داری، بخصوص در جوامعی مانند ایران است، که به همراه آن باید منزلت و کرامت انسانها لگدمال شود تا توده مردم حاضر شوند با هر شرایطی به استثمار و حشيانه تن بدهند.

جواب طبقه کارگر در ایران به این وضعیت در شعار "معیشت و منزلت حق مسلم ماست" خلاصه شده است. این بواقع کلیدی ترین شعار در دو دهه اخیر بوده که قدرت فراخوانی و متحد کننده دارد و مهمتر اینکه بیان کننده آلترناتیو حکومت اسلامی سرمایه است. این شعار در بطن مبارزات طبقه کارگر، بعنوان طبقه ای که ثروت جامعه را می آفریند اما خود از کمترین حق در برخورداری از این ثروت بسر برده، شکل گرفته و قوام یافته است. این شعار انعکاس وضعیت فروستان جامعه است که خطاب به کل جامعه می گوید: شرط رهایی، تحقق معیشت و منزلت برای همگان و بطور همزمان است. این شعار همین جوری، بی هوا و از سر ابتکار شخصی کسی

گرسنگان در ایران شورش کور نیست. هدف فوری آن سرنگونی حکومت اسلامی است. اساتید و مفسران فوق چون مشاهده می کنند که اعتراضات فوراً رنگ سیاسی میگیرد و شخص دیکتاتور و کل حاکمیت را نشانه می گیرد و به مراکزى مانند حوزه های علمیه و بسیج به عنوان دو ابزار مهم سرکوب مردم حمله می شود، نتیجه گرفته اند این شورش گرسنگان و فقرا نیست. چون گویا اعتراض برای گرانی یعنی اینکه به بود و نبود حکومت نباید کار داشته باشد و فقط باید درخواست کنند که جلوی تورم و گرانی همین حاکمیت که مسبب آن بوده گرفته شود. این اساتید خود را به نفهمی میزنند تا منکر شوند اگر اعتراضات به بهانه گرانی ارزان نگه داشتن نان نیست که جان بر کف در خیابان با جانپان اسلامی، دست خالی درگیر می شوند؛ بلکه در پی معیشت و در نتیجه منزلت خود هستند که تنها با سرنگونی حاکمیت اسلامی زمینه رسیدن به آن فراهم می گردد.

اساتید و مفسران آقندر دانش دارند که بتوانند درک کنند گرسنگان اکنون صدا دارند. حزب سیاسی دارند. این گرسنگان تنها برای سدجوع خواستار سرنگونی حکومت نیستند بلکه به دنبال رفاه شایسته یک انسان قرن بیست یکمی هستند، همراه با کل آزادی. این دو لازم و ملزوم هم هستند که در شعار معیشت و منزلت حق مسلم ماست به تمامی منعکس است.

همانگونه که اشاره شد این شعار بیان خودآگاهی جنبش گرسنگان است. و این خودآگاهی بخاطر وجود چپ و کمونیستی است که در حزب کمونیست کارگری متشکل است. در چهار دهه

نقش متحول کننده "طبقه متوسط" باد هوا شده بود، سعی کردند کشف کنند که چرا "حاشیه" این گونه یکدست و بدرجه ای سازمان یافته، در متن حادثه هستند و حضور خود را بر تحولات تحمیل می کنند. تئوری ساخته شد و معلوم شد که این طبقه متوسط است که به سوی فقر رانده شده و گر نه "فروودستان" که درگیر تامین نان شب شان هستند چه به "عدالت خواهی"!

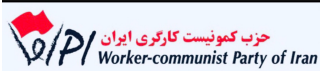
در تعریف ایشان حاشیه نشیان در بهترین حالت می توانند دست به "شورش کور" بزنند. شورش چند ساعته و حداکثر یک روزه که همه چیز را ویران می کند و بعد ناپدید میشود. شاهد مثال هم شورش کوی طلاب مشهد و محله اسلام شهر تهران در نیمه اول دهه هفتاد است. اما همین "شورش کور" به اذعان خود این عالی جنابان، شیپور شکست سیاستهای دولت سازندگی، رفسنجانی و استوانه نظام بود. این شورش ها منجر به عمق یافتن اختلافات حاکمان اسلامی شد؛ شورش که ظاهراً قرار بود کور و بی هدف باشد حاکمیت را دو شقه کرد.

در پی اعتراضات دو هفته آخر اردیبهشت ۱۴۰۱ بار دیگر تحلیل گران و مفسران و جامعه شناسان پریدند وسط که این جنبش گرسنگان نیست! چرا؟ چون مثلاً "حاشیه نشیان تهران که به شدت در فقر غوطه ورنده اصلاً اعتراض نمی کنند. اما شاهد هستیم که مثلاً در شهر قدس (قلعه حسن خان) اعتراضات وسیعی در سال ۹۸ شکل گرفت و این جنبش محذوف شدگان طبقه متوسط است، که از مرکز شهر رانده شده اند و مسئله شان نان هم نیست بلکه آزادی سیاسی است." و مدعی اند "شورش گرسنگان توهین به ملت ایران است!"; "قیام فقرا دروغ است!" حقیقت این است که شورش

اعتراضات سراسری

رانندگان زندانی، معلمان زندانی و دستگیرشدگان
اعتراضات اخیر باید فورا و بی قید و شرط آزاد شوند

۲۸ اردیبهشت



های جامعه، مبارزه برای آزادی کلیه دستگیر شدگان است. آزادی رانندگان و معلمان و معترضین زندانی یک خواست متحد کننده است که باید در سراسر کشور به خواست محوری همه بخش های جامعه، کلیه تشکل ها و فعالین قرار گیرد. «معلم زندانی آزاد باید گردد»، «راننده زندانی آزاد باید گردد»، «زندان سیاسی آزاد باید گردد»، را در همه تجمعات و اعتراضات فریاد بزنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۱، ۱۸ مه ۲۰۲۲

رانندگان زندانی، معلمان زندانی و دستگیرشدگان اعتراضات اخیر باید فوراً بی قید و شرط آزاد شوند

حسین مغینمی، ۲۲ ساله فرزند راضی، احمد صیاحی فرزند قاسم، علی عفرای، محمد عفرای، الیاس عفرای، ولید مغینمی، محمود حصناوی و مرتضی مرمضی، ...

-هاواز: عادل حمادی از اهالی کوی علوی، مصطفی چلداوی، عباس چلداوی، عماد سواری، جمعه سواری، اسم عسکری، محمد زرگانی، ...
-شاوور: هادی شمیری، رسول ملیانی، قاسم اسدی، عباس ملیانی، سید حمود ابوالهیل، ...

ایده: گفته میشود در ایذه بیش از ۳۰۰ نفر که بسیاری از آنان نوجوانان زیر ۱۸ سال هستند، بازداشت شده اند.

یک محور اتحاد مبارزاتی همه بخش

کندازی، محسن بهرامی، مهدی کلاتری، حمیده زارع، احمد چنگیزی، فریبا معینی، ...

اسامی معلمانی که از قبل در زندان به سر میبردند: اسماعیل عبدی، هاشم خواستار، مهدی فراهی شانندیز، زینب همرنگ، محمدحسن سپهری، عالیہ اقدام دوست، نصرت بهشتی، محمد تقی فلاحی، یعقوب یزدانی، معصومه عسکری و هاله صفرزاده
اسامی برخی از دستگیر شدگان اعتراضات شهری:

-یاسوج: کوروش جلیل، سعید طاهری، ساسان ضرغام پور و نوروزعلی رشیدی، کوروش جلیل، سعید طاهری
-سوسنگرد: جاسم بحرانی، هاشم بحرانی، محمد طرفی، عطیه مغینمی،

اسامی رانندگان بی آر تی زندانی: وحید فریدونی، علیرضا زارعی، جواد صادقی پور، محمد عباس دایی، احد صالح پور

اسامی دو نفر از بازداشت شدگان سندیکای شرکت واحد و اتوبوسرانی: رضا شهابی، حسن سعیدی

اسامی ۲۴ نفر از معلمان دستگیر شده در روزهای گذشته: اسکندر (سوزان) لطفی، مسعود نیکخواه، شعبان محمدی، محسن عمرانی، جعفر ابراهیمی، محمد حبیبی، رسول بدایی، محمود ملاکی، رضا امانی فر، مرگان باقری، اصغر امیرزادگان، فریبا نظام زاده، محمد عالیشوندی، محمد علی زحمتکش، عبدالرزاق امیری، مهرداد یغمایی، حمید عباسی، افشین رزمجویی، غلامی

اعتصاب رانندگان شرکت واحد تهران. بخش بی آر تی



دستمزدها باعث شده که بسیاری از آنها ناگزیر شوند در شیفت های متوالی کار کنند. این کارگران بصورت پیمانی کار میکنند و بعضاً از طریق همین پیمانکاران کارها به مباشرینی واگذار شده که وضع بسیار بدتر است. رانندگان و کارگران بی آر تی در شرایط بسیار سخت و دشوار کار میکنند. از جمله اکثریت ایستگاهها فاقد هرگونه سرویس بهداشتی است و حتی توالت و دستشویی برای استفادهی رانندگان و کارگران ندارد. پیمانکاران با قرارداد موقت کارگر میگیرند و در انتها بدون هیچ نوع بیمه و حق و حقوقی با کارگر با آنها تسویه حساب میکنند. آنهم با هزار دوز و کلک سعی میکنند همین حداقل حقوق را هم پرداخت نکنند.

فضای کاری در میان این کارگران نیز بسیار امنیتی است. کار سنگین، سروصدای کر کننده و آلودگی وحشتناک هوا بدون هیچ نوع تجهیزات ایمنی مثل ماسک و غیره شرایط کار را برای کارگران و رانندگان بی آر تی غیر قابل تحمل کرده است. از سوی دیگر میزان خطرات ناشی از تصادفات و درگیری خیابانی نیز در کار این کارگران بالاست و کارگرانی جان خود را در تصادفات از دست داده اند. مطالبه

را سر میدهند. اعتصاب کارگران بی آر تی در تهران که ارتباط مستقیمی با گرانیها و فشار بر کرده همه مردم دارد انعکاس وسیعی در شهر تهران یافته است. بنا بر خبرها رانندگان و کارگران دیگر سامانههای شرکت واحد در حال پیوستن به این اعتراضات هستند و در حالیکه اتوبوسهای اعتصابی در حرکتند مردم به نشانه حمایت دست تکان میدهند.

در تجمع مقابل دفتر مرکزی کارگران و رانندگان اعتصابی با شعار شهردار بی لیاقت استعفاء، استعفا، اعتراضشان را فریاد میزنند.

بنا بر گزارش دریافتی تعداد خطوط اتوبوسهای تندرو یا بی آر تی در شهر تهران ده خط است و تعداد کارگران ایستگاههای آن بیش از ۵۰۰ نفر است که در شیفت های ۸ ساعته کار میکنند و به طور متوسط روزانه حدود ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر از طریق این خطوط جابه جا میشوند. دستمزد این کارگران بسیار پایین و حداکثر به میزان حداقل دستمزد تعیین شده شورای عالی کار حکومت است که امسال آنرا هم اجرا نمیکند و گفته اند امسال دستمزد آنها فقط ده درصد اضافه میشود. کارگران میگویند که سطح نازل

بخشهایی از رانندگان شرکت واحد تهران وارد اعتصاب شده اند. امروز ۲۶ اردیبهشت رانندگان و کارگران بخشهای (BRT) بی آر تی شرکت واحد اتوبوسرانی در سامانه های ۱، ۳، ۷ و توقفگاه بخارایی سامانه ۴ تهران و رانندگان شاغل در پایانه آزادی اعتصاب کردند. شمار زیادی از رانندگان سامانه های ۴ و ۵ بی آر تی هم جهت پیوستن به اعتصاب و تحصن به توقفگاه برگشته اند. این رانندگان به عدم افزایش حقوق ها بر اساس مصوبه مزدی شورای عالی کار که خود چند بار زیر خط فقر است اعتراض دارند. رانندگان اعتصابی در مقابل دفتر مرکزی شرکت تجمع و تحصن کرده اند. پیمانکاران فقط افزایش ده درصد را قبول کرده اند و رانندگان با توجه به افزایش نجومی هزینه ها، زیر بار این افزایش ناچیز نمیروند.

در این تجمعات رانندگان و کارگران اعتصابی با کف زدن و با خشم فراوان فریاد میزدند "یالا، یالا، حقوق ما یالا" و با این شعار خواستار افزایش فوری دستمزدهایشان شدند. در حالیکه اتوبوسها بسوی محل تحصن حرکت میکنند کارگران شعار ما همه با هم هستیم

اصلی کارگران بی آر تی افزایش فوری حقوقها، کوتاه شدن دست پیمانکاران و قراردادهای دائمی کاری است. افزایش فوری حقوقها و پرداخت کامل تعلقات شغلی مثل پرداخت سختی کار، حق شیفت، حق اضافه کاری و اختصاص لوازم ایمنی مانند ماسک و دستکش از جمله خواستههای فوری این کارگران است. و اعتراض امروز آنها مشخصاً اعتراض به گرانی ها و سطح نازل حقوقها و عدم افزایش دستمزدهاست.

اعتراضات کارگران بی آر تی واحد اتوبوسرانی تهران، اعتراضات بازنشستگان در روز گذشته که چندین شهر را در



بیانه حزب کمونیست کارگری ایران در مورد اعتراضات جاری:

طنین مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر خامنه ای در خیابانها

بار دیگر فریاد مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر خامنه ای در خیابانهای شهرهای کشور طنین انداخته است. علیرغم بسیج گسترده اوباش و اراذل جنایتکار حکومتی، مردم در شهرهای مختلف به خیابانها می آیند و با جنایتکاران درگیر میشوند و به گرانی و به فقر و به کل حاکمین اسلامی سرمایه ابراز انزجار و اعتراض میکنند. مردم خشمگینند. از حکومت و سیستم ناعادلانه و فاسد و متحجر حاکم بیزارند. به کمتر از سرنگونی این حکومت رضایت نداده و نمیدهند.

اعتراضات کنونی با تشدید گرانی و فقر و محرومیت آغاز شده است. اما روشن است که مردم فقط به گرانی و زندگی زیر خط فقر اعتراض ندارند. تاکنون بارها و بارها جنگ و گریز میان مردم و اقلیت مفتخور و جنایتکار حاکم فوران کرده است. مردم این حکومت را نمیخواهند. مردم نه فقط فقر و گرانی را که به حد غیر قابل تحملی رسیده، نمیخواهند و هر روز دارند با اعتصابات و اعتراضات و تجمعات به آن اعتراض میکنند، بلکه سلطه دستگاه کثیف مذهب و تحقیر و توهین و یکه تازی اوباش و زندان و اعدام را نمیخواهند. مردم سالهاست با صدای رسا همه جا فریاد میزنند که حکومت اسلامی نمیخواهیم. حکومت ضد زن و حجاب اجباری و

حکومت عقب ماندگی و ضد شادی نمیخواهیم. سرکوب و زندان نمیخواهیم. سلطه مذهب و مفتخوری و حقوقهای نجومی و زندان و دار نمیخواهیم. مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر خامنه ای و ریسی یعنی مرگ بر سرتاپای جمهوری اسلامی. جامعه ای بلند شده است. مصمم است که به دوران سیاه سلطه متحجرین بیرحم و فاسد و چپاولگر پایان دهد. مدتهاست که جنبش سرنگونی یک واقعیت عینی و ملموس و غیر قابل انکار در جامعه است. این جنبش بارها از گوشه و کنار کشور فوران کرده، تعرض کرده و نه تنها خاموش نشده بلکه فراگیرتر و عمیقتر شده است. همه کس امروز به وجود این جنبش گسترده اذعان دارد. حتی حکومتیان به زبانهای مختلف به گسترش جنبش و فضای سرنگونی طلبی و براندازی در جامعه اعتراف میکنند.

جمهوری اسلامی بر روی دریایی از نفرت و انزجار عمومی قرار دارد. مردم این کشور، کارگران و بازنشستگان و معلمان و جوانان و زنان و مادران دادخواه و همه ۹۹ درصدیها نه فقط از این حکومت منزجرند، بلکه مصممند که از شر آن برای همیشه خلاص شوند. میدانند که برای دفاع از زندگی باید به این جرثومه فساد و عقب ماندگی و مرگ و چپاول پایان دهند. این اولین بار نیست که جمهوری

است. همه کس بلااستثنا باید از مسکن مناسب، معیشت کافی و مناسب و زندگی بی دغدغه و شاد و انسانی برخوردار شود. آزادی بیان و تحزب و تجمع و اعتصاب حق بی چون و چرا و بدون قید و شرط تک تک مردم است. دخالت مذهب در قوانین و دولت و آموزش و پرورش باید برای همیشه پایان یابد. به سلطه سرمایه و سرمایه داران بر جامعه باید پایان داده شود و شکاف عظیم طبقاتی، فقر و ثروت، حقوقهای نجومی و بی تاملی مطلق باید پایان یابد.

حزب کمونیست کارگری همه کارگران و معلمان و بازنشستگان و جوانان و دانشجویان و زنان و همه مردم را به پیوستن به صف انقلاب برای سرنگونی جمهوری اسلامی سرمایه داران فرامیخواند. ما همه با هم هستیم و با هم به این دوره تلخ و به این سیستم

چپاولگرانه و ظالمانه پایان خواهیم داد. نابود باد حکومت اسلامی سرمایه داران زنده باد انقلاب انسانی برای جامعه انسانی، زنده باد سوسیالیسم!

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۱، ۱۸ مه

اسلامی با فوران خشم مردم و اوج گرفتن جنبش سرنگونی طلبانه مردم جان به لب رسیده مواجه است. اما این اولین بار است که در دل خیزش و شورشهای شهری معلمان و بازنشستگان و کارگران با دست زدن به اعتصابات و تجمعات سراسری بمیدان می آیند. این تجمعات و اعتصابات، که تجمع اخیر بازنشستگان در چند شهر و اعتصاب کارگران رانندگان شرکت واحد و اعتصاب کارگران حفاری در صنعت نفت نمونه های متاخر آنست، در واقع ستون فقرات و پشتوانه محکم شورشهای شهری محسوب میشود. حرکات اعتراضی ای که تلاشهای سرکوبگرانه حکومت را خنثی میکند، جمهوری اسلامی را از هر سو به محاصره در می آورد و موجب ادامه کاری و تعمیق و گسترش اعتراضات توده ای جاری میشود.

بطور قطع با انقلابی انسانی و همگانی، با خیزش عمومی و اعتصابات و تجمعات و تظاهرات و تعرضات خود، جمهوری اسلامی را سرنگون خواهیم کرد و جامعه ای مرفه و آزاد و برابر و شاد و مدرن و انسانی و برابر را پی خواهیم ریخت. رفا، حق تک تک شهروندان

دایمی شدن قراردادهای کاری و کوتاه شدن دست پیمانکاران خواست همه کارگران شهرداری در سطح سراسری است.

اعتصاب کارگران قراردادی نفت و کارگران شهرداری

گسترده است. علاوه بر مساله دستمزد، برچیده شده بساط پیمانکاران یک خواست سراسری کارگران نفت است. - صبح روز ۳۱ اردیبهشت جمعی از کارکنان و کارگران قسمت موتوری، تعدادی از پاکبانان و رانندگان واحدهای عمرانی و خدمات در اهر در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق خود دست به اعتصاب اختطاری چند ساعته زدند. این کارگران سه ماه مزد طلب دارند. پرداخت به موقع دستمزدها و افزایش سطح آن و

روز ۳۱ اردیبهشت کارگران قراردادی وزارت نفت در تهران در اعتراض به سطح پایین حقوق مقابل این وزارتخانه تجمع کردند. یک موضوع فوری اعتراض آنها خارج شدن آنها از مشمولیت همان حداقل دستمزد تعیین شده توسط شورای عالی کار و افزایش صرفا ده درصدی دستمزدهایشان است. این اعتراضات در ادامه اعتراضات این بخش از کارگران نفت در کارون، مارون و آغاجری و گچساران صورت میگیرد. اعتراضات در مراکز نفتی

اعتصاب رانندگان شرکت واحد تهران...

بخش های جامعه و رفتن بسوی یک اعتصابات عمومی سراسری و اعتراضات سازمانیافته مردمی تاکید دارد.

سرنگون باد جمهوری اسلامی

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۱، ۱۶ مه ۲۰۲۲

برگرفت، ادامه اعتراضات در میان کارگران نفت و معلمان و اعتراضات مردمی در کف خیابان نشانگر اینست که جامعه گرانی نجومی و تشدید فقر کمر شکن را بهیچ وجه نمی پذیرد و با اعتصابات سراسری به آن پاسخ میدهد. حزب کمونیست کارگری بر اتحاد مبارزاتی همه

خرداد: یکی دیگر از کیشته‌های اعتراض بازنشستگان تامین اجتماعی



بازنشستگان با شعار "وزیر بی لیاقت، استعفاء، استعفاء فریاد اعتراضشان را بلند کردند

اعتراض بازنشستگان به سونامی گرانی و وخامت هر روز بیشتر وضع زندگی و معیشتشان است و این موضوع اعتراض همه کارگران و مردم محروم است. در قبال بازنشستگان نیز همانند کارگران پیمانی در بخش های مختلف شهرداری و در نفت، مصوبه شورای عالی کار در خصوص میزان افزایش حداقل دستمزدها که خود دستمزدی چند بار زیر خط فقر را رقم زده است، اجرایی نشده است. تعیین مزد بر مبنای هزینه های واقعی زندگی و متناسب با هزینه واقعی سبد معیشت خانوار و افزایش آن طبق تورم واقعی، بیمه درمانی کارآمد و رایگان، پرداخت دیون دولت به صندوق بازنشستگی و برگرداندن پولهای به سرقت رفته به این صندوق، و آزادی اسماعیل گرامی و دیگر زندانیان سیاسی از جمله خواستهای اعلام شده بازنشستگان تامین اجتماعی در قطعنامه هایشان است. اعتراضات بازنشستگان، معلمان، کارگران و بخش های مختلف جامعه و اعتراضات مردمی در کف خیابان بیان درد مشترک کل جامعه علیه فقر و فلاکت و بی تأمین و بساط چپاولگری حاکم است. اتحاد جنبش های مختلف اجتماعی و رفتن به سوی اعتصابات عمومی و سراسری یک حلقه مهم در قدرنگیری و تداوم مبارزات مردمی است و اعتراضات در کف خیابان است.

حزب کمونیست کارگری ایران
خرداد ۱۴۰۱، ۲۲ مه ۲۰۲۲

روز ۱ خرداد بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی در اعتراض به سطح نازل حقوقها و گرانی ها و خلف وعده های داده شده و پاسخ نگرفتن خواستههایشان در چند شهر از جمله در تهران، تبریز، رشت، کرمانشاه، کرمان، اهواز و قزوین تجمع کردند. این تجمعات در تهران مقابل سازمان برنامه و بودجه و در شهرهای دیگر مقابل ادارات کل سازمان تامین اجتماعی برگزار شد. در تجمع تهران مقابل سازمان برنامه و بودجه مامورین بسیاری از نیروهای امنیتی یگان ویژه، لباس شخصی و نیروی انتظامی و مامورین زن در محل تجمع مستقر بودند و اجازه ایستادن حتی مقابل درب مترو را نمی دادند. ماموران بازنشستگانی را که برای تجمع به محل آمده بودند را تا نزدیکی ایستگاهی که اتوبوسهای مولوی و شوش می ایستند تحت کنترل داشتند. اجازه فیلم برداری نمیدادند و از جمله گویی یکی از زنان بازنشسته را گرفتند. اما باقی بازنشستگان نگذاشتند و گویی را پس گرفتند. با وجود این فضا شماری از بازنشستگان تجمع کردند. در تبریز و اهواز و کرمان نیز جمعیت شرکت کننده قابل توجه بود. در کرمان تجمع کنندگان شعار میدادند: "تامین اجتماعی، چه نام اشتباهی"، وعده وعید چه خوب بود، اما همش دروغ بود، "وعده زیاد شنیدیم، نتیجه شو ندیدیم"، "همسان سازی حق ماست، حق مسلم ماست". در اهواز بازنشستگان با فریاد بازنشسته بیدار است از تبعیض بیدار است و با شعار "تاکی سرافکنندگی یا مرگ یا زندگی" در سطح شهر دست به راهپیمایی بزرگی زدند. در تبریز

تجمع اعتراضی کارگران شهرداری یاسوج، و کارزار معلمان در حمایت از همکاران خود

روز ۱ خرداد کارگران شهرداری یاسوج به دلیل تعویق پرداخت ۵ ماه مزد خود جلوی استانداری کهگیلویه و بویراحمد تجمع کردند. در این روز زیر فشار کارگران شهرداری یاسوج میان تجمع کنندگان حاضر شد و بطور تلویحی آنها را به اخراج و اینکه اعتراض آنها آرامش

جامعه را بر هم زده و موجب سوء استفاده گاه و بیگاه دشمن میشود سخن گفت. گفته های او با اعتراض شدید کارگران روبرو شده و بنا بر خبر ها در پاسخ به او یکی از کارگران معترض اعلام کرده و میگوید: ما حقوقمان را می خواهیم و کاری با این حرف ها نداریم، در طول



تمام سال زباله ها را از دشت روم تا مادوان جمع می کنیم، تمام این شهر را تمیز می کنیم. درآمد ما فقط همین کارگری است و درآمد دیگری نداریم." کارگر دیگری نیز میگوید: "۱۲ ساعت کار صفحه ۱۰

اطلاعیه

پرونده سازی رسوا علیه معلمان، فعالین کارگری و شهروندان فرانسوی را شدیداً محکوم میکنیم

۲۹ اردیبهشت



جهان تبدیل خواهیم کرد. حزب کمونیست کارگری کلیه تشکل های کارگران، بازنشستگان، دانشجویان و نویسندگان و همه مردم آزاده را فرامیخواند با تمام قوا برای آزادی دستگیر شدگان به میدان بیايند و جمهوری اسلامی و دستگاههای امنیتی حکومت را محکوم کنند. حزب کمونیست کارگری سازمانهای کارگری و سازمانهای مدافع حقوق انسان در سطح جهان را فرامیخواند که قاطعانه علیه این تلاشهای مذبوحانه جمهوری اسلامی دست به اقدام بزنند و از دولت غربی بخواهند که موضع فعالی علیه جمهوری اسلامی و برای آزادی کلیه دستگیرشدگان در دستور بگذارد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۱، ۱۹ مه ۲۰۲۲

معلمان، دادخواهان و بخش های مختلف مردم ایران در چند دهه گذشته، همبستگی اتحادیه های کارگری جهانی، تشکل های معلمان مانند آموزش بین الملل و بسیاری از سازمانهای علیه اعدام وسازمان های حقوق بشری از خواست ها و مبارزات آنها بوده است. فعالیت در این زمینه را باید هرچه بیشتر گسترش داد.

این پرونده سازی بلافاصله با موجی از اعتراض در ایران مواجه شد. کانون صنفی معلمان و شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان، تعدادی از کانون های صنفی معلمان و تعدادی از تشکل های کارگری جمهوری اسلامی را محکوم کردند. بسیاری از فعالین در مدیای اجتماعی نیز دستگیری ها و پرونده سازی ها را شدیداً محکوم کرده اند.

ما پرونده سازی علیه شهروندان فرانسوی، فعالین معلمان و فعالین کارگری و دستگیری آنها را شدیداً محکوم میکنیم و آثرا به رسوایی بیشتر حکومت در سطح

جهان رسوا شده است. دنیا میدانند که جمهوری اسلامی شهروندان خارجی یا دو تابعیتی ها را دستگیر میکند تا دول غربی را برای معاوضه با تروریست های حکومت و یا اخاذی از آنها تحت فشار قرار دهد. اما این سیاست کثیف حکومت اتفاقاً به دریچه ای برای آشنایی بیشتر مردم جهان با ۴۳ سال سرکوب و پرونده سازی علیه فعالین سیاسی در ایران تبدیل شده است.

ارتباط با فعالین اتحادیه ای از کشورهای دیگر، جلب همبستگی آنها از خواست ها و مبارزات مردم ایران، و استفاده از تجارب آنها در امر سازماندهی و مبارزتی نه تنها جرم نیست بلکه حق بی چون و چرای معلمان، کارگران و همه فعالین جنبش های اجتماعی و همه مردم ایران است. این جرم نیست جرم را حکومتی مرتکب میشود که مردم را با پرونده سازی های جعلی به زندان می اندازد. یک نقطه قوت مبارزات کارگران و

بار دیگر دستگاههای امنیتی حکومت که در مقابل اعتراضات پرشور و قدرتمند معلمان خود را شکست خورده دیده و علیرغم همه تهدیدها و دستگیری ها قادر به مقابله با آنها نشده اند، دست به پرونده سازی زده و رسول بدایق، اسکندر لطفی، مسعود نیکخواه و شعبان محمدی از فعالین معلمان را به اتهام ملاقات با خانم سیسیل کولر و ژاک پاری از فعالین اعضای اتحادیه آموزش فرانسه و "آموزش بین الملل" دستگیر کرده اند. خانم سیسیل کولر و ژاک پاری نیز دستگیر شده و به جاسوسی و تلاش برای ایجاد آشوب و بی ثبات سازی جامعه متهم شده اند. رضا شهابی، حسن سعیدی و جمعی دیگر از فعالین کارگری نیز به اتهام ارتباط با این دو فعال فرانسوی دستگیر شده و با تحت تعقیب قرار گرفته اند.

دستگیری شهروندان خارجی به اتهام بی ثبات سازی جامعه و آشوب به راه انداختن در کشور اکنون نزد تمام مردم

تجمع اعتراضی کارگران شهرداری یاسوج، ...

از صفحه ۹

پرونده سازی نخ نمای جمهوری اسلامی علیه معلمان را بر سرش

خراب کنیم!

حمید تقوایی

در عین حال رسوا و نخ نمای جمهوری اسلامی است. رژیم سعی میکند به این روش برای فعالین جنبشهای اعتراضی پرونده امنیتی و همکاری با "جاسوسان خارجی" بسازد. بخصوص در شرایط امروز که جامعه پیاخته و معلمان نقش فعالی در اعتراضات دارند هدف حکومت از این نوع پرونده سازیهای رسوا عقب راندن جنبش معلمان است.

اخیراً جمهوری اسلامی دو معلم فرانسوی، خانم سیسیل کولر و همسرش ژاک پاری را که برای ملاقات با فعالین جنبش معلمان به ایران رفته بودند به اتهام جاسوسی و ایجاد آشوب در ایران به همراه رسول بدایق و چند فعال دیگر جنبش معلمان و جنبش کارگری دستگیر کرده است. همانطور که کانون صنفی معلمان نیز اعلام کرده این یک روش همیشگی و

برای آزادی همکاران در بند خود تلاش میکنند. از جمله روز ۱ خرداد جمعی از معلمان در مریوان در همبستگی با خانواده های معلمان بازداشت شده اسکندر لطفی، مسعود نیکخواه و شعبان محمدی مقابل دادگستری تجمع کردند. در همین روز جمعی از معلمان در اعتراض به پرونده سازی و بازداشت همکاران خود در این شهر با خانواده های آنان دیدار داشتند. کارزار علیه پرونده سازی علیه معلمان و فعالین کارگری ابعاد گسترده ای پیدا کرده و بازتاب جهانی داشته است.

حزب کمونیست کارگری پیشروی و موفقیت این کارزار را یک امر مهم میدانند و برای آزادی معلمان و کارگران و فعالین بازداشتی در این پرونده تلاش میکند. این پرونده سازی ها باید به قیمت سنگینی برای حکومت اسلامی تمام شود.

سرنگون باد جمهوری اسلامی

حزب کمونیست کارگری ایران

۱ خرداد ۱۴۰۱، ۲۲ مه ۲۰۲۲

می کنیم، پول کرایه نداریم، مجبوریم مسیر را پیاده برویم. مجبوریم، اگر اعتراض کنیم تهدید به اخراج می کنند". نهایتاً شهردار خواستار تعیین پنج نفر نماینده از بین کارگران برای مذاکره شد. اما کارگران حاضر به این کار نشده و خواستار جوابگویی شهردار به کل جمع شدند.

- کارزار برای آزادی معلمان زندانی ادامه دارد. تشکلهای مختلف معلمان از شهرهای مختلف طی بیانیه های محکمی پرونده سازی علیه همکاران خود و بازداشت آنها همراه با دو تبعه فرانسوی به اسامی سیسیل کولر از اعضای اتحاد بین الملل معلمان و ژاک پاری همسر سیسیل را محکوم کرده و خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط آنها از زندان و آزادی تمامی معلمان زندانی شده اند. در همین رابطه تشکلهای مختلف کارگری و بخش های مختلف جامعه اعلام اعتراض کرده و این پرونده سازی رسوا را محکوم کرده اند. بعلاوه معلمان به اشکال مختلف





پرونده سازی علیه معلمان و فعالین کارگری و دوشهرنزد فرانسوی

نامه به اتحادیه های کارگری و نهادهای انساندوست در سراسر جهان:

جمهوری اسلامی در ادامه سیاستهای سرکوبگرانه اش علیه معلمان و مبارزات قدرتمندشان اخیراً دست به توطئه جدیدی زده و دو معلم فرانسوی، خانم سسیل کولر و همسر وی ژاک پاری را که جهت ملاقات با فعالین جنبش معلمان به ایران رفته بودند با اتهام نخ نمای جاسوسی و ایجاد آشوب در کشور بازداشت کرده است. بر اساس این سناریوی ساختگی رسول بدایی، اسکندر لطفی، شهاب محمدی، مسعود نیکخواه از اعضای کانون صنفی معلمان دستگیر شده اند. رضا شهابی و حسن سعیدی از سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و آیتا اسد الهی از فعالین اجتماعی از دیگر بازداشت شدگان این پرونده سازی ها هستند. این در حالیست که سسیل کولر عضو اتحادیه آموزش فرانسه و عضو برجسته سازمان "آموزش بین الملل" است و شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان نیز از ابتدا از اعضای این سازمان بوده است.

در تکمیل سناریوی مهندسی شده جمهوری اسلامی فیلمی از تلویزیون صدا و سیما حکومت پخش شده است که کانون صنفی معلمان تهران طی بیانیه ای در اعتراض به این توطئه گری ها در رابطه با هدف حکومت از این اقدام مینویسد: "فیلم قصد دارد اعتراضات معلمان را دسیسه ی سرویس های جاسوسی غربی معرفی کند و با تمسک به آن صدای حق خواهی معلمان، که یکی از

درخشان ترین حرکت های مدنی دو دهه گذشته را رقم زده اند، خاموش کند. غافل از این که چنین سناریوهای نخ نمایی چندین سال است گوش شنوایی ندارد و باعث آبرو ریزی بیشتر تهیه کنندگانش می شود."

موجی از اعتراض علیه این حرکت کثیف جمهوری اسلامی به جریان افتاده است. بیانیه های اعتراضی کانون صنفی معلمان تهران، خانواده های معلمان بازداشتی، کانون صنفی معلمان کردستان، شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان، نامه سرگشاده خانواده های معلمان بازداشتی، کارگران نیشکر هفت تپه و تشکلهای مختلف کارگری در محکومیت این کار نشان دهنده شکست این نوع تقلابهای عبث و رسوا از سوی حکومت است. بویژه امروز در شرایطی که جامعه از اعتراض و مبارزه میجوشد و شهر به شهر مردم به خیابان آمده و با شعارهای ضد حکومتی و مرگ بر دیکتاتور حکم به رفتن این حکومت میدهند، این اقدام هزینه سنگینی برای حکومت اسلامی خواهد داشت.

در سطح جهانی نیز این بازی مسخره و زبوانه حکومت اسلامی و این دستگیریها بازتاب بسیاری داشته است. با این اقدام جمهوری اسلامی با نهادهای چون آموزش بین الملل رو در رو شده است و شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان عضو این نهاد بین المللی است و مبارزات معلمان در ایران بارها با

حمایت قاطع این نهاد بین المللی معلمان روبرو شده است. برخی دولتها نظیر دولت فرانسه و آمریکا نیز خواستار آزادی دستگیر شدگان شده اند.

دستگیری شهروندان دو تابعیتی بخشی از سیاست جمهوری اسلامی با هدف فشار آوردن به دول غربی برای معامله و معاوضه آنها با عوامل تروریست و آدمکش میباشد. از همین رو این نوع پرونده سازی ها برای شهروندان خارجی با اتهاماتی چون جاسوسی و آشوب راه انداختن نزد همه جهانیان رسوا و شناخته شده است.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی پرونده سازی علیه دو شهروند فرانسوی و فعالین معلم و کارگری با اتهاماتی چون جاسوسی و اغتشاش را شدیداً محکوم میکند و بر آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی بازداشت شدگان تاکید دارد. باید کل جهان در برابر حکومت آدم ربا و جنایتکار جمهوری اسلامی بایستد و واکنش نشان دهد.

فری دم ناو همه بخش های جامعه را به حمایت از مبارزات معلمان و اعتراض گسترده به سرکوبگریهای جمهوری اسلامی و پرونده سازی های امنیتی مسخره علیه فعالین فرامیخواند. فری دم

ناو از اتحادیه های کارگری و معلمان و نهادهای انساندوست در سراسر جهان انتظار دارد که انزجار خود را به این سیاست کثیف جمهوری اسلامی ابراز کنند و خواستار آزادی فوری دو معلم بازداشتی فرانسوی و معلمان زندانی، کارگران در بند و همه زندانیان سیاسی در ایران شوند و به دولت های خود فشار بیاورند که قاطعانه در مقابل این نوع گروگانگیریها و سیاست های قلدری حکومت اسلامی قاطعانه بایستند. جمهوری اسلامی این حکومت سرکوب و جنایت که پایه ای ترین حقوق انسانها را زیر پا میگذارد باید در سطح جهان منزوی و بایکوت شود و از جمله نمایندگانش از سازمان جهانی کار اخراج گردند. ما منتظر نامه های اعتراضی تمامی اتحادیه های کارگری و معلمان در سطح جهانی در محکومیت این عمل بشدت ضد انسانی و جنایتکارانه جمهوری اسلامی هستیم.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی در ایران (فری دم ناو)

۱۹ مه ۲۰۲۲ - ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۱
Shahla.daneshfar2@gmail.com
<https://free-them-now.com/>

چه بیشتر بهتر؛ که ما را شاد میکند زیرا که نشانه ی ترس سرکوبگران از یکی بودن ماست. بیشتر بسازید تا بیشتر شاد و متحد شویم.

- تا آزادی همه فعالین بازداشت شده
- دوشادوش شما در مبارزه برای احقاق حقوق مشترکمان
- در کنار مردمان معترض در سراسر کشور

خیابان ها که برای حقوق حق خود با تمام توان آمده اند: تبریک به همه ما که دستگاه سرکوب در برابر ما کم آورده و از این روست که دست به کار سناریو و فیلم و تقلا شده است.

بار دیگر ضمن اعلام حمایت از فعالین بازداشت شده، خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط آنها هستیم. در مورد فیلم و سناریوهای امنیتی هیچ خواسته ای نداریم زیرا از این فیلم ها هر

تلاش های ما در دل دستگاه سرکوب و استعمار و فلاکت پراکنی، هراس انداخته است. تبریک به معلمان عزیز در سراسر کشور که کارگران هشیار و بیدار در عرصه آموزش هستند، تبریک به کانون های صنفی معلمان این تشکلات مبارز در طبقه کارگر، تبریک برای مبارزات درخشان شما که خیابان را از آن خود کرده اید، تبریک به کارگران هشیار و رزمنده در شرکت واحد، تبریک به مردم معترض در

کارگران نیشکر هفت تپه: همکاران عزیز و یاران!

"ما در هفت تپه تجربه مشابهی داریم وقتی که علیه عزیزان ما فیلم امنیتی طراحی سوخته را نشر دادند، تنها نتیجه اش رسوایی بیشتر برای دستگاه سرکوب و مستحکم تر شدن صفوف اتحاد و مبارزه ما بود. ما این فیلم ها را نشانه ی بدی نمیدانیم بلکه برعکس نشانه ی موفقیت فعالیت های خودمان میدانیم زیرا که این

بیانیه کانون صنفی معلمان ایران (تهران) پیرامون سناریوسازی ۳۰:۴۰؛ کیهان و رسانه های وابسته

دلیل آن تبعیض های چند دهه ای در ساختار حقوقی کشور است. علت آن بی توجهی به اصول گوناگون قانون اساسی از جمله اصل ۲۷ و ۳۰ است.

علت العلیل آن ناکارآمدی مدیریت سیاسی و اقتصادی و لج بازی با جهان و رویارویی با معلمانی همچون فلاحتی، عبدی، حبیبی، ابراهیمی و ده ها همکار خانم و آقای ست که یا در زندان هستند، یا احضار می شوند و یا پرونده ی باز دارند؛ معلمانی که همچنان امید دارند که با فعالیت های گوناگون از جمله اعتراض، آموزش و پرورش کشور را از لبه پرتگاه نجات دهند.

هشدار داده و توصیه می کنیم با چنین برنامه هایی بیش از این عرض خود را نبرید؛ زیرا حرکت معلمان با خواسته های معیشتی-منزلی که در یک سال گذشته بیش از همیشه پویا، زنده و واقعی ست با این برنامه های مستهجن! نه تنها آرام نمی گیرد بلکه آتش خشمشان را برافروخته تر خواهد کرد.

کانون صنفی معلمان ایران

۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۱

برگرفته از مدیای اجتماعی

نمی چسبد. به تهیه کنندگان این شوی مسخره گوشزد می کنیم که طرح چنین بحث هایی، مانند موارد قبلی، علاوه بر این که بر شاخ نشستن و بن بریدن است، موجب آبرو ریزی بیشتر شما شده و خزانه ی خالی از اعتماد عمومی تان را خالی تر از امروز می کند..



اعتراضات معلمان ریشه ها و زمینه های واقعی و چند دهه ای دارد و لجن پراکنی تهیه کنندگان این گزارش تنها پاک کردن صورت مسئله است. ریشه های آن، وعده های تو خالی مسئولان دولت های گوناگون در ساماندهی به وضع معیشت فرهنگیان و بازنشستگان است.

زمینه ی آن کوچک شدن سفره ی ایرانیان از جمله معلمان است.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان و شماره از تشکلهای صنفی معلمان از شهرهای مختلف دستگیری دو تبعه سندیکایی فرانسوی و بازداشت آنها و همکاران خود و دیگر فعالی کارگری و پرونده سازی های پوشالی علیه آنان شدیداً اعتراض کرده اند. اسامی شماری از این تشکلهای عبارتند از:

کانون صنفی فرهنگیان الیگودرز، انجمن صنفی فرهنگیان خراسان شمالی، انجمن صنفی فرهنگیان اسلام آبادغرب، انجمن فرهنگیان هرسین، کانون صنفی فرهنگیان گیلان، کانون صنفی معلمان خوزستان، کانون صنفی معلمان اسلامشهر، انجمن صنفی فرهنگیان شاغل و بازنشسته کرمانشاه، انجمن صنفی معلمان کردستان (سنندج و کلاترزان، مریوان و سروآباد، سقز و زیویه، دیواندره، بیجار)،

یکی از مهمترین وظایف این نهاد، پیگیری اصلاحات آموزشی و رصد شرایط آموزش و پرورش کشورها به ویژه وضع معلمان است. حال چگونه است که این فرد که عضو این نهاد بین المللی ست و با اسم و رسم و عنوان به ایران می آید و در حوزه فعالیت خودش انجام وظیفه می کند جاسوس

نامیده می شود؟! و این احتمالاً رازی است که تنها تهیه کنندگان با استعدادا برنامه های امنیتی صدا و سیما و رسانه های وابسته به آن می دانند! در عکس منتشر شده رسول بدایقی، اسکندر لطفی، مسعود نیکخواه و شعبان محمدی در کنار این دو معلم فرانسوی دیده می شوند.

به گواه همه فعالین صنفی کشور، این معلمان از خوشنام ترین و وطن پرست ترین فعالین صنفی معلمان هستند و به هیچ وجه اتهامات مطرح شده در فیلم به این عزیزان وارد نیست.

کمترین سند در این رابطه، زندگی معلمی آنان است که در کنار معلمی و فعالیت صنفی شان یکی راننده اسنپ است و دیگری کشاورزی می کند و دیگران هم بدون شغل دوم روزشان به شب نمی رسد!

این ها، برخلاف جاسوسان واقعی، نه خانه و ویلائی در لندن دارند و نه حساب پس اندازی در سوئیس و نه فرزند یا فرزندی در آمریکا و کانادا و ... آری معلمانی گچ به دست می باشند که مانند همه مردم این سرزمین تحت انواع فشارهای سیاسی، اجتماعی، ایدئولوژیک و مخصوصاً اقتصادی هستند و اتهام مضحک جاسوسی، ابتدا به آنان

صدا و سیمای ملی و چند رسانه ی امنیتی شناسنامه دار، در گزارشی که مرغ پخته را نیز به خنده وامی دارد به دیدار چند عضو ارشد و خوشنام شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان ایران با زن و شوهری فرانسوی پرداخته است.

این فیلم قصد دارد اعتراضات معلمان را دسیسه ی سرویس های جاسوسی غربی معرفی کند و با تمسک به آن صدای حق خواهی معلمان، که یکی از درخشان ترین حرکت های مدنی دو دهه گذشته را رقم زده اند، خاموش کند. غافل از این که چنین سناریوهای نخ نمایی چندین سال است گوش شنوایی ندارد و باعث آبرو ریزی بیشتر تهیه کنندگانش می شود.

اگرچه تهیه ی گزارش از سوی مجموعه خبری ۲۰:۳۰ و رسانه های معلوم الحالی همچون کیهان، مردم فهم و آگاه جامعه را بی نیاز از توضیحات بیشتر در مضحک بودن این سناریوسازی و تلاش برای فریب افکار عمومی می کند اما برحسب وظیفه برخورد لازم می دانیم توضیحاتی در این باره ارائه کنیم:

خانم سسپیک کوهلر معلم و عضو اتحادیه معلمان فرانسه است. او از سال ۲۰۱۶ مسئول روابط بین الملل فدراسیون ملی فرهنگ و آموزش حرفه ای شده که بزرگترین فدراسیون معلمان فرانسه است.

آقای ژاک پاریس هم آموزگار است اما مانند خانم کوهلر فعالیت های چشمگیری ندارد.

خانم سسپیک فردی سرشناس در حوزه فعالیت های سندیکایی و عضو مهمی از سازمان آموزش جهانی (EI) است و همه فعالیت های ملی و بین المللی او شفاف انجام می گیرد و مصاحبه ها و مقاله های گوناگون ایشان در رسانه های بین المللی، گویای دیدگاه های اوست.

از طرف دیگر شورای هماهنگی شکل های صنفی معلمان، تقریباً از زمان تولدش، عضو EI بوده و کاملاً شفاف و علنی با این نهاد بین المللی که مجموعه ای از اتحادیه های معلمان سراسر جهان است، ارتباط دارد.



نامه کنفدراسیون اتحادیه های کارگری نروژ خطاب به ه خامنه ای در اعتراض به دستگیری فعالان کارگری و معلمان در ایران

لازم را برای آزادی فوری و بدون قید و شرط همه کارگران، اعضای سندیکاها، مستقل و فعالان حقوق بشر از زندان انجام دهد و سرکوب کارگران و اتحادیه های کارگری را متوقف کند و به آزادی تشکل و حقوق اتحادیه های کارگری طبق کنوانسیون های ۸۷ و ۹۸ سازمان جهانی کار احترام بگذارد.

کنفدراسیون اتحادیه های کارگری نروژ خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی فعالان کارگری زندانی، معلمان و فعالین جامعه مدنی است که در روزهای اخیر دستگیر شده اند، از جمله رضا شهابی، آئینا اسداللهی، ریحانه انصاری نژاد، کیوان مهتدی و همچنین #معلمان بازداشتی اول ماه مه از جمله رسول بدائی، جعفر ابراهیمی، اسکندر لطفی، محمد حبیبی، محسن عمرانی، شعبان محمدی، مسعود نیکخواه، محمود ملاکی، رضا امانی فر، اصغر حاجب و هادی صادق زاده.

ما مصمم به حمایت کامل سیاسی و روحی از کارگران ایران هستیم، و از خواسته های مشروع آنها برای آزادی تشکل و دستیابی به حقوقشان بدون ترس از دستگیری یا آزار و اذیت حمایت می کنیم.

ارادتمند، یگی هسن فولسویک
پرزیدنت، کنفدراسیون های اتحادیه های کارگری نروژ

رونوشت به: رئیس جمهوری اسلامی ایران، ابراهیم رئیسی
سفارت جمهوری اسلامی ایران در اسلو
وزارت امور خارجه نروژ
سفارت نروژ در تهران

کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری (ITU)
باز تکثیر از سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

برگرفته از مدیای اجتماعی

آیت الله سید علی حسینی خامنه ای،
رهبر جمهوری اسلامی ایران

اسلو، ۱۸ مه ۲۰۲۲

موضوع: دستگیری فعالان سندیکایی کارگری و معلمان در ایران
کنفدراسیون اتحادیه های کارگری نروژ (ال او- نروژ)، به نمایندگی از بیش از ۹۷۰ هزار کارگران در نروژ در اعتراض به نقض حقوق اتحادیه های کارگری و کارگران در کشور شما این نامه را می نویسد.

کنفدراسیون اتحادیه های کارگری نروژ همچنین به شدت نگران اخباری است که نشان می دهد چندین نفر از کارگران و فعالین جنبش مستقل کارگری در ایران به دلیل شرکت در فعالیت مشروع و قانونی سندیکایی مورد آزار و اذیت قرار گرفته و یا بازداشت شده اند. کنفدراسیون اتحادیه های کارگری نروژ نسبت به واکنش اخیر دولت ایران به فعالیتهای بر حق اتحادیه های مستقل کارگری، کارگران و فعالان حقوق بشر ایرانی ابراز نگرانی می کند. کارگران و اتحادیه های آنها، و نیز فعالان مدافع حقوق بشر، در مورد دستمزدهای کم و پرداخت نشده، افزایش هزینه ها در شرایط وخیم وضعیت اقتصادی در سطح کشور، و عدم آزادی تشکل، بیان، تجمع، اعتراض و اعتصاب که در مقاله نامه های سازمان بین المللی کار و سایر کنوانسیون های بین المللی به ثبت رسیده است، اعتراض کرده اند.

در روزهای اخیر بار دیگر شاهد موجی از بازداشت فعالان کارگری، معلمان، مدافعان حقوق شهروندی و هنرمندان بودیم. ما به شدت نگران وخیم تر شدن مداوم حقوق بنیادی کارگری و انسانی در جمهوری اسلامی ایران هستیم. این سرکوبها به ویژه منجر به مرگ یا زندانی شدن چندین فعال صنفی و اتحادیه ای در ایران شده است.

کنفدراسیون اتحادیه های کارگری نروژ از دولت ایران می خواهد که تمام اقدامات

اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط فعالین کارگری و معلمان بازداشتی شد

خصوصاً اعضای آن و سایر
بازداشت شدگان کارگری در سطح عمومی
منتشر کرده را محکوم کرده است.

اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا از مطالبه سندیکا برای آزادی فوری و بدون قید و شرط کلیه فعالان کارگری معلمی و فعالان اجتماعی زندانی از جمله رضا شهابی، حسن سعیدی، آئینا اسداللهی، ریحانه انصاری نژاد، کیوان مهتدی و همچنین معلمان بازداشتی در اول ماه مه از جمله رسول بدائی، جعفر ابراهیمی، اسکندر لطفی، محمد حبیبی، محسن عمرانی، شعبان محمدی، مسعود نیکخواه، محمود ملاکی، رضا امانی فر و هادی صادق زاده حمایت می کند.

این دستگیری ها و بازداشت ها نقض آزادی تشکل ها، حق سازماندهی و آزادی بیان است. CUPE همچنین خواستار پایان دادن به بازداشت ادامه دار و آزار و اذیت افرادی است که به شکل مسالمت آمیز از آزادی همکاران خود دفاع می کنند.

بار دیگر CUPE

درخواست اتحادیه های کارگری و فدراسیون های جهانی اتحادیه ها را از دولت ایران تکرار می کند:

لغو بدون قید و شرط کلیه اتهامات مطروحه علیه فعالین اتحادیه های کارگری و مدافعان حقوق انسانی که در حبس هستند. احترام به حقوق کارگران در راستای سازماندهی و آزادی تشکل ها و آزادی بیان از جمله حق برگزاری تجمع مسالمت آمیز، بدون ترس از مداخله دولت، و حمایت از این حقوق.

احترام به حقوق و حریم خصوصی اعضای خانواده فعالان کارگری زندانی و تضمین امنیت و رفاه آنها
باز تکثیر از سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۱۹ مه ۲۰۲۲

برگرفته از مدیای اجتماعی

اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا عمیقاً نگران دستگیری های اخیر فعالان کارگری، معلمان، مدافعان حقوق مدنی و هنرمندان در ایران است. در تاریخ اول ماه مه، روز جهانی کارگر، مقامات ایران تظاهرات مسالمت آمیز اتحادیه های کارگری را که به دلیل دستمزدهای پایین، نرخ بالای تورم، فساد، غارت دارایی های عمومی، بی عدالتی های فراگیر و نقض حقوق انسانی برگزار شده بودند، سرکوب کردند.

اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا، از طریق همکاران خود در سندیکای کارگران اتوبوسرانی تهران و دیگر سازمان های کارگری گزارشاتی مبنی بر ادامه اعتراضات سراسری علیرغم سرکوب گسترده، دستگیری های متعدد و روبه افزایش و کشته شدن چندین معترض توسط پلیس مطلع شده است. همچنین بیش از ۱۰ کارگر اتوبوسرانی که با هدف افزایش دستمزد اعتصاب کرده بودند در روزهای اخیر بازداشت شده اند. اتحادیه کارگران اتوبوسرانی، وابسته به فدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل است.

رضا شهابی، یکی از اعضای سرشناس هیئت مدیره، و حسن سعیدی از اعضای سندیکا در یورش نیروهای اطلاعاتی به خانه های خود دستگیر شدند. شهابی بارها به واسطه فعالیت های کارگری خود دستگیر شده و سال های زیادی را در زندان سپری کرده است. این نیروها به منزل #داوود رضوی، عضو هیئت مدیره سندیکا نیز یورش بردند اما وی در منزل حضور نداشت.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران و آموزش بین الملل نیز گزارش می دهند که ده ها معلم مدارس دولتی، از اول ماه مه بازداشت و زندانی شده و تعدادی نیز تحت بازجویی قرار دارند.

سندیکای کارگران اتوبوسرانی تهران، دستگیری ها، اتهامات بی اساس و اطلاعات نادرستی که نیروهای امنیتی در



خارجی (فرانسوی) و اتحادیه‌ها و سندیکا‌های آنان جرم نیست، بلکه حکومت متعهد است که امکانات لازم را برای همکاری و یا الحاق اتحادیه‌ها و سندیکا‌های ایرانی به همکاران خارجی و بین‌المللی را فراهم سازد.

■ کانون مدافعان حقوق بشر به مسئولین جمهوری اسلامی هشدار می‌دهد که به پرونده‌سازی‌های پوچ و بی‌اساس و سلب آزادی‌های اساسی ملت خاتمه داده و نسبت به آزادی این فعالین فرهنگی و کارگری و نیز دو شهروند فرانسوی دستگیر شده در اسرع وقت اقدام نماید.

کانون مدافعان حقوق بشر

۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۱

منبع: کانال مدافعان حقوق بشر

"ارتباط گیری" نه با شهروندان خارجی و نه با سندیکاها و اتحادیه‌های صنفی و کارگری جرم نیست. سلب آزادی‌های اساسی ملت با طرح چنین اتهامات ناروا و غیرقانونی، مصداق بارز سوءاستفاده از قدرت و قابل پیگرد کیفری است و آمرین و عاملان چنین بازداشتی باید پاسخگوی اعمال خود باشند.

■ کانون مدافعان حقوق بشر یادآور می‌شود که ایران متعهد به اجرای مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین بین‌المللی است و طبق ماده ۹ قانون مدنی، مفاد تعهدات بین‌المللی در حکم قوانین عادی و برای همه، از جمله مسئولین حکومتی لازم‌الاتباع است. مفاد ماده ۸ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی بر ضرورت تشکیل اتحادیه و سندیکا و فعالیت آزادانه آنها دلالت دارد. همچنین بر ایجاد حق ارتباط اتحادیه‌ها با یکدیگر و تشکیل فدراسیون‌های ملی و بین‌المللی تأکید دارد.

■ بنابراین نه تنها ارتباط با شهروندان

و ابتدایی و شجاعت و ایستادگی کم نظیر معلمان مبارز ایران قرار گرفتند.

شرکت کنندگان در این کنفرانس تأکید داشتند که خواستهای معلمان جزو ابتدایی ترین حقوق کار و بشر است، حق آزادی بیان، شکل و جلب همبستگی بین المللی حق مسلم و خدشه ناپذیر معلمان ایران بوده و به اتخاذ سیاست سیستماتیک سرکوب از جانب رژیم ایران در برخورد با این خواستها بشدت معترض بوده و بر سر واکشهای بین المللی در همبستگی با معلمان ایران به تبادل و نظر پرداختند.

از نظر شرکت کنندگان در این کنفرانس طرح مطالبات بهبود کیفیت آموزش و پرورش، همسان سازی و بهبود شرایط کار و معیشت معلمان، تلاش برای عملی شدن قانون آموزش با کیفیت و رایگان برای دانش آموزان و تشکیل یابی آزاد و مستقل حول این مطالبات نه تنها جرم نیست بلکه شایسته بهترین تقدیرها است. در روز دوم کنفرانس هیتی به همراه جاوید رحمان بطور جداگانه با فرد دوم وزارت خارجه سوئد مگنوس نیلسون و عفو بین الملل دیدار داشته و برگزاری

بیمیه قانون مدافعان حقوق بشر در حمایت از فعالینی که به بهانه ارتباط با همبستیان فرانسوی خود بازداشت شده‌اند.

است که این بار جنبش‌های اعتراضی #فرهنگیان و #کارگران را نشانه گرفته است.

■ جمهوری اسلامی در برخورد با معترضان و منتقدان، بی‌توجه به قوانین مصوب خویش و همواره با طرح اتهامات غیرواقعی سعی در #سرکوب آنان کرده است. این بار نیز در اقدامی آشکارا از سر استیصال با طرح اتهام موهوم و بی‌اساس "ارتباط گیری" تلاش می‌کند تا با ایجاد جو رعب و وحشت، جنبش‌های پویا و زنده را سرکوب و خاموش گرداند. و البته از حکومتی که نه تنها به حقوق بشر بلکه به قوانین موضوعه خود بی‌اعتناست، جز این نیز انتظاری نمی‌رود.

■ کانون مدافعان حقوق بشر اعلام می‌کند در هیچ یک از قوانین جاری

ملت شریف ایران ■ در حالی که تعدادی از #معلمان شریف و زحمتکش ما به دلیل حضور در تجمعات قانونی و مسالمت‌آمیز در بازداشت غیرقانونی و زندان به سر می‌برند، روز ۲۶ اردیبهشت صدا و سیما جمهوری اسلامی گزارشی از بازداشت دو شهروند فرانسوی را پخش کرد که بنا به ادعای وزارت اطلاعات به اتهام ارتباطگیری با چند نفر از کشمگران فرهنگی و کارگری و تلاش برای ایجاد آشوب و بی ثبات سازی جامعه دستگیر شده‌اند.

■ با توجه به مجموعه عملکرد نهادهای امنیتی در برخورد با فعالان سیاسی و اجتماعی مسلماً این #سناریو! نیز از جنس پروژه‌های نخ‌نمای نهادهای امنیتی

کنفرانس معلمان ایران، همبستگی سندیکاهای کارگری سوئد با معلمان ایران

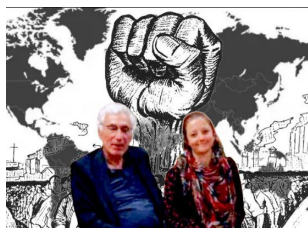
بخش مهمی از این کنفرانس به گزارشهای مستقیم تعدادی از معلمان ایران اختصاص یافت. در این گزارشها به شرح اعتراضات وسیع معلمان در شهرهای مختلف طی سال گذشته و تداوم آنها در سال جدید شمس، تداوم سیاست سرکوبگرانه رژیم ایران بجای پاسخگویی به مطالبات برحق معلمان، دستگیری دهها نفر از معلمان و بطور مشخص تر به نحوه دستگیری آقایان رسول بدافی، جعفر ابراهیمی، محمد حبیبی، علی اکبر باغانی، اسکندر لطفی، مسعود نیکخواه، شعبان محمدی و... و پرونده سازی علیه معلمان از جمله آقای اسماعیل عبدی و اعتصاب غذا ایشان و تعدادی از معلمان و زندانیان در همبستگی با ایشان پرداخته شد. شرکت کنندگان در این کنفرانس بشدت تحت تاثیر نحوه باورنکردنی سرکوب های حکومت در مقابله با این خواستهای بحق

روز پنجشنبه، ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۱ سندیکاهای کارگری سوئد در روزهای نهم و دهم ماه مه ۲۰۲۲ میزبان کنفرانسی با هدف آشنایی با مبارزات و مشکلات معلمان ایران و در همبستگی با این مبارزات بودند. در این کنفرانس لارز میکائیلسون منشی هیئت مدیره سندیکای کارگران ترانسپورت سوئد، لیف ایساکسون منشی بین المللی سازمان مرکزی کارگران سوئد (ال.او)، روبرت گوستاوسون منشی بین المللی اتحادیه معلمان سوئد، شیرین سلیک، محقق مسائل کارگری و مارتین هورنر منسول ارتباطات سندیکای کارگری ترانسپورت سوئد، جاوید رحمان، گزارشگر ویژه سازمان ملل در رابطه با ایران، سعید تقوی و مجید تمجیدی از طرف پلاتفرم سندیکاهای کارگری سوئد/ ایران، ستار رحمانی کارشناس مسائل معلمان ایران و تعدادی از معلمان از ایران به طور مجازی شرکت داشتند.

کنفرانس "معلمان ایران" را به اطلاع آنان رسانده و خواستار واکتش عملی در محکوم کردن سیاست سرکوبگرانه جمهوری اسلامی، به ویژه در تداوم سیاست اعدام در ایران شدند.

شرکت کنندگان در این کنفرانس شورای هماهنگی کانون های صنفی فرهنگیان ایران را به عنوان نماینده معلمان ایران برسمیت شناخته و با تلاش های رژیم جمهوری اسلامی برای جایگزین کردن تشکل های بدیل و وابسته به دولت به عنوان تشکل های معلمان مقابله مینمایند. ما با جدیت خواهان موارد زیر هستیم:

آزادی فوری همه #معلمان زندانی، #فعالین کارگری مدنی زندانی تصویب و اجرای مقاوله نامه های حقوق بشر سازمان ملل، مقاوله نامه ۲۳ و مقاوله نامه های ۸۷ و ۹۸ سازمان جهانی کار سازمانهای کارگری سندیکایی و نمایندگان منتخب و اعضای آنها بدون ترس از خشونت، تهدید زندان و اخراج از کار اجازه فعالیت داشته باشند. ۱۸ مه ۲۰۲۲-برگرفته از مدیای اجتماعی



دستگیری و فعال سندیکیایی فرانسوی خانم سیل و آقای ژاک کوهر را قویاً محکوم می‌کنیم

جمله بر حکومت و نیروهای امنیتی پوشیده نیست. علاوه بر این جنبش کارگری ایران به یمن مبارزات گسترده کارگران برای رسیدن به حقوق پایه‌ای خود به ویژه در دو دهه‌ای اخیر یکی از بخش‌های رزمنده جنبش کارگری جهانی محسوب می‌شود و بسیاری از فعالین این جنبش در سطح جهانی به ویژه در نزد اتحادیه‌ها و سندیکاهای کارگری چهره‌های شناخته شده‌ای هستند.

بنابراین حکومت خود نیز می‌داند که به‌رغم همه سرکوب‌گری‌ها و توطئه‌ها، جنبش کارگری ایران در سطح جهانی تنها و بی صدا نیست. این حق مسلم تشکلهای کارگری و معلمان است که در سطح جهانی با هم ارتباط برقرار کنند، از تجارب هم بیاموزند، از یکدیگر حمایت کنند و در راه همبستگی و اتحاد طبقاتی بین‌المللی تلاش و مبارزه کنند.

بدون تردید دستگیری دو فعال سندیکای کارگری فرانسه و نسبت دادن اتهام ارتباط آنها با اعتراضات برحق معلمان تحت عنوان "آشوب"، توطئه‌ای است علیه تشکلهای صنفی معلمان و تلاش برای توجیه سرکوب جنبش معلمان. ما با محکوم کردن توطئه‌چینی علیه جنبش معلمان و تشکلهای صنفی آنان و با تاکید بر آزادی فوری خانم سیسل و آقای ژاک کوهر دو عضو فدراسیون آموزش و فرهنگ سندیکای نیروی کار فرانسه، اعلام می‌داریم جنبش کارگری و جنبش معلمان و دیگر جنبش‌های مطالباتی در ایران حق دارند با تشکلهای مستقل جهانی ارتباط و مراوده داشته باشند و بدیهی است نه تنها دولت ایران، بلکه هیچ دولتی نمی‌تواند در سطح جهانی مانع ارتباطات بین‌المللی کارگران و معلمان شود.

اتحادیه آزاد کارگران ایران

۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۱

برگرفته از مدیای اجتماعی

دستگاه‌های سرکوب و نیروهای امنیتی طی سالیان متمادی و بطور مداوم در حال پرونده‌سازی علیه فعالین کارگری و جنبش معلمان به منظور سرکوب اعتراضات حق‌طلبانه آنان بوده‌اند و اینک، آنان با دستگیری دو نفر از فعالین سندیکای نیروی کار فرانسه که با ویزای قانونی به ایران آمده‌اند و عضو تشکلی مستقل از دولت فرانسه و مشغول مبارزات عدالت‌طلبانه در آن کشورند، درصدد برآمده‌اند تا حضور آنها را در ایران مرتبط با اعتراضات معلمان تحت عنوان "ایجاد آشوب" به خورد افکار عمومی بدهند.

جنبش کارگری یک جنبش بین‌المللی است و ارتباط تنگاتنگ بین تشکلهای این جنبش، امری متداول و جزئی از حقوق اولیه تشکلهای کارگری در بسیاری از کشورهاست.

همانطور که کارفرمایان و دولت‌های سرمایه‌داری این حق را برای خود قائل‌اند تا در نهادها و سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای به منظور پیشبرد اهداف خود عضو شوند، جنبش کارگری نیز از همان آغاز، یعنی از بیش از دو قرن پیش تلاش کرده است در سطح جهانی خود را در برابر کارفرمایان و دولت‌های سرمایه‌داری متشکل کند و در راه همبستگی و اتحاد طبقاتی در ابعاد بین‌المللی بکوشد.

وجود چندین کنفدراسیون بین‌المللی و اتحادیه‌های جهانی کارگری که متشکل از اتحادیه‌های کارگری در کشورهای مختلف هستند بخشی از این همبستگی بین‌المللی است. برای نمونه و بطور مشخص "آموزش بین‌الملل" بیش از ۱۷۰ تشکل معلمان در سراسر جهان را در بر می‌گیرد. کنفرانس‌ها و نشست‌های این تشکل بطور علنی و با پوشش خبری آزاد هر ساله برگزار می‌شود و نمایندگان تشکلهای عضو این سازمان در اقصی نقاط جهان در آن شرکت می‌کنند.

تلاش بجا و درست تشکلهای صنفی معلمان ایران برای مراوده با تشکل جهانی "آموزش بین‌الملل" بر کسی از

بیانیه‌ی کانون نویسندگان ایران

در اعتراض به تداوم بازداشت کیوان مهدی

درازدت و ارباب و سرکوب دیگر فعالان به کار گرفته شده است. تکرار این روند و جرم‌انگاری مسائلی چون ارتباط با نهادهای همسو و نسبت دادن صداهای آزادی‌خواه و حق‌طلب به «منشأ خارجی» خبر از موج جدید سرکوب فعالان صنفی و سیاسی و تگ‌تر کردن عرصه‌ی فعالیت آنان می‌دهد. از سوی دیگر این پرونده‌سازی‌ها هراس حکومت از تقویت تشکلهای صنفی ایران را از طریق پیوند با تشکلهای مشابه در دنیا آشکار می‌کند. حق طبیعی و مدنی تشکلهای صنفی است که با همتایان خود در سراسر دنیا ارتباط و همکاری داشته باشند و انتساب این نوع ارتباط‌ها به وابستگی و جاسوسی نقض آشکار حقوق بشر و برخی از مقوله‌های بین‌المللی است که جمهوری اسلامی نیز از امضاکنندگان آن است.

کانون نویسندگان ایران بازداشت کیوان مهدی و دیگر فعالان صنفی و سیاسی و نیز پرونده‌سازی برای آنان را محکوم می‌کند و حمایت خود را از حق تشکلهایی و ارتباط با نهادهای همسو اعلام می‌دارد. ۱ خرداد ۱۴۰۰، برگرفته از مدیای اجتماعی

نزدیک به دو هفته از یورش نیروهای امنیتی به خانه‌ی کیوان مهدی، نویسنده، مترجم و عضو کانون نویسندگان ایران و آنیسا اسدالهی، مترجم می‌گذرد. ۱۹ اردیبهشت ماه این دو حامی طبقه‌ی کارگر پس از تفتیش خانه و توقیف وسایل شخصی‌شان بازداشت و به بند امنیتی ۲۰۹ زندان اوین منتقل شدند.

پس از چند روز بی‌خبری معلوم شد که بازداشت‌های اخیر در پی پرونده‌سازی وزارت اطلاعات صورت گرفته است. نیروهای امنیتی با تولید و انتشار خوراک رسانه‌ای مطلوب خود نام بازداشت‌شدگان اخیر، کیوان مهدی، رضا شهابی، آنیسا اسدالهی، ریحانه انصاری‌نژاد، حسن سعیدی، ... و نیز معلمان بازداشتی، رسول بدائی، اسکندر لطفی، مسعود نیکخواه، شعبان محمدی و ... را به پرونده‌سازی‌ها و شایعه‌پراکنی‌های جهت‌دار خود گره زدند.

بر کسی پوشیده نیست که این قسم پرونده‌سازی‌ها تا کنون تنها برای فریب افکار عمومی، مهیا کردن بستر اعتراف‌گیری‌های اجباری و تولید مستندهای جعلی، صدور حکم‌های

سلام در مانده

یادداشتی از کیان رضایی کارگر نفت که برای کارگر کمونیست آمده و خطابش به حکومت است

من به عنوان یک کارگر از یک جهت خوشحالم و از جهتی ناراحت: خوشحال به خاطر اینکه میبینم تو در بدترین حالت ممکن در این چند سال توسط همه کارگران، معلمین، بازنشسته‌ها و گرسنگان در تنگنای عجیبی افتاده‌ای. ناراحت به خاطر من و امثال من که جوانی، سلامتی خود را در دوران ننگین تو به هدر داده ایم اما نه! دردهایمان روزی که دیر هم نیست یکصدا و غریوکنان تو و هم‌کیشان‌ها به زباله دان تاریخ خواهد فرستاد و تو هم

چنان سرمستی از کلاه گشادی که بر سر ملت گذاشته‌ای ولی اینقدر حقیری که صدای هم‌صدایی ما طبقه کارگر را نمی‌بینی نمیفهمی. نمیفهمی چون مثل من کارگر ۲۳ روز کار نیستی و ۷ روز مرخصی بله فکر تو و جسم تو هرروز در مرخصی بسر میبرد. (کلا در مرخصی)

نمیفهمی چون هنوز از داربست‌های داغ عسلویه بالا نرفته‌ای و در شرحی تنی به کار نزده‌ای. نمیفهمی چون نه از جوشکاری و نه از برش کاری در هوای داغ و شرحی عسلویه سر در نمی‌آوری. نمیفهمی و تاوان سنگینی برای نفهمی خود پرداخت خواهی کرد. و در آخر

جهل جاهل سینه‌ها را می‌درد عقل عاقل کینه‌ها را می‌خرد عاقلان بر قلب مردم حاکمند جاهلان بر خون مردم طالبند

آزادی شماری از معلمان بازداشتی اخیر و تداوم کارزار برای

آزادی تمامی معلمان زندان



غذاست و بدلیل وضعیت بدی جسمانی به یکی از درمانگاههای سنندج انتقال یافت.

پرونده های امنیتی تشکیل شده برای معلمان، کارگران و تمامی زندانیان سیاسی بسته شود و تمامی آنها باید بدون قید و شرط آزاد شوند. با قدرت مبارزاتمان در زندانها را باز میکنیم.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی در ایران (فری دم ناو)

۲۱ مه ۲۰۲۲ - ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۱

Shahla.daneshfar2@gmail.com

<https://free-them-now.com/>

بهشتی، محمد تقی فلاحی، یعقوب یزدانی، معصومه عسکری، هاله صفرزاده - روز ۲۶ اردیبهشت در پنجمین جلسه دادگان اعضای هیات مدیره کانون صنفی معلمان در خوزستان علی کروشاتی، پیروز نامی، و فرنگیس نسیم پور برگزار شد. در این روز جمعی از معلمان همکاران خود همراهی کرده و محل دادگاه را به صحنه اعتراض خود تبدیل کردند.

- فاتح مجیدی از معلمان اخراجی بانه که از تاریخ ششم اردیبهشت همراه با ۷ نفر دیگر از کارگران و فعالین کارگری در این شهر بازداشت شده بود در اعتصاب

بازداشت شده بود آزاد شد.
- روز ۳۱ اردیبهشت مهدی فراخی شانندیز بعداز سپری کردن ده سال محکومیت حبس آزاد شد.

آزادی تمامی این عزیزان را به آنها، به خانواده هایشان و به همگان تبریک میگوئیم.
از بازداشت شدگان اخیر هنوز ۲۵ نفر از معلمان به اسامی زیر در بازداشت بسر میروند:

اسکندر (سوران) لطفی، مسعود نیکخواه، شعبان محمدی، جعفر ابراهیمی، محمد حبیبی، رسول بدایقی، رضا امانی فر، مژگان باقری، اصغر امیرزادگان، محمد عالیشوندی، محمد علی زحمتکش، عبدالرزاق امیری، مهرداد یغمایی، حمید عباسی، افشین رزمجویی، غلامی کندازی، محسن بهرامی، مهدی کلانتری، حمیده زارع، احمد چنگیزی، فریبا معینی، هادی صادق زاده، حسین مهدی پور، مرتضی محمدی، محمد رضا شریعتی نیا
همچنین شماری از معلمان از قبل در بازداشت بسر میروند و اسامی آنها عبارتند از: اسماعیل عبدی، هاشم خواستار، زینب همزنگ، محمدحسین سپهری، عالیله اقدام دوست، نصرت

- روز ۲۸ اردیبهشت فریبا نظام زاده از معلمان استان فارس که در تجمع ۲۲ اردیبهشت بازداشت شده بود با وثیقه هفتصد میلیون در میان استقبال خانواده و همکارانش آزاد شد.

- روز ۲۵ اردیبهشت محمود ملاکی عضو هیات مدیره بوشهر که در یازده اردیبهشت بازداشت شده بود با وثیقه ۲۰۰ میلیون تومان در میان استقبال همکاران و خانواده اش آزاد شد.

- مسعود فرهیخته از معلمان در تهران که در تجمع یازده اردیبهشت بازداشت شده بود در ۲۵ اردیبهشت آزاد شد. و یکروز بعد از آزادی جمعی از معلمان به دیدارش رفتند.

- روز ۲۶ اردیبهشت علی کبر باغانی از معلمان تهران در میان استقبال همکاران و خانواده اش آزاد شد.

- روز ۲۶ اردیبهشت اصغر حاجب عضو هیات مدیره کانون صنفی معلمان بوشهر که در تجمع ۱۱ اردیبهشت معلمان در روز جهانی کارگر بازداشت شده بود، آزاد شد.

- روز ۲۶ اردیبهشت رسول کارگر از معلمان استان فارس آزاد شد.

- روز ۳۱ اردیبهشت محسن عمرانی عضو هیئت مدیره کانون صنفی معلمان بوشهر که در تجمع ۱۱ اردیبهشت ماه

هم اکنون ۲۶ معلم مقرض در زندان به سرمیبرند

معلمان زندانی را آزاد کنید!



زندانی شویم. خواهان پایان دادن به پرونده سازی علیه آنها شویم و از خواست های بحق شان دفاع کنیم.

کمپنه مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران در آستانه روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی، بیست جون، قاطعانه برای آزادی معلمان زندانی تلاش میکند و تشکل های مختلف مردمی، تشکل های کارگری، بازنشستگان و معلمان، نویسندگان و ورزشکاران و هنرمندان مردمی را به حمایت از آنها فرا میخواند.

کمپنه مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۱، ۲۰ می ۲۰۲۲

معلمان با تجمعاعتشان، با بیانیه ها و سخنرانی های پرشورش نشان داده اند که برای احقاق حقشان دست از اعتراض نمیکشند و دستگیری ها و تهدیدها مانع تداوم مبارزات آنها نخواهد بود.

در مقابل این ددمنشی حکومت باید ایستاد. باید قاطعانه و به هر شکل که میتوانیم از معلمان حمایت کنیم. خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط کلیه معلمان

معلمان که پیوسته از معترضین علیه بی حقوقی و بیدادگری تحت حاکمیت جمهوری اسلامی بوده اند در ماه های اخیر با اعتراضات سراسری در خیابانها دست به تجمع زده و جمهوری اسلامی که فرومانده از اعتراضات است، با دستگیری و ضرب و شتم معلمان تلاش میکند معلمان را عقب براند و جلو اعتصاب و اعتراض آنها را بگیرد.



**- به حضور حکومت اسلامی در
کنفرانس آی ال او اعتراض کنید!**

- هیئت رژیم اسلامی ایران را تحریم کنید

**- خواهان آزادی تمامی کارگران و معلمان زندانی و تمامی
زندانیان سیاسی در ایران شوید!**

**- خواهان اخراج رژیم اسلامی ایران از سازمان بین المللی
کار شوید!**

کارگری و حقوق بشر در ایران نیز باید بایکوت شود. این رژیم باید از تمام نهادهای بین المللی و در درجه اول از سازمانی که نام کارگران را یدک می کشد اخراج شود. با توجه به همه اینها از شما اتحادیه های کارگری می خواهیم که:

• به حضور حکومت اسلامی در کنفرانس آی ال او اعتراض کنید!

• هیئت رژیم اسلامی ایران را تحریم کنید!

• خواهان آزادی تمامی کارگران و معلمان زندانی و تمامی زندانیان سیاسی در ایران شوید!

• خواهان اخراج رژیم اسلامی ایران از سازمان بین المللی کار شوید!

کمپین برای آزادی کارگران زندانی در ایران (فری دم ناو!)

Shahla.Daneshfar2@gmail.com

<https://free-them-now.com/>

۱۵ مه ۲۰۲۲

پیگرد های امنیتی قضائی و آزاد کردن فوری و یقینود شرط همه بازداشت شدگان هستیم و بر تامین مطالبات معیشتی مطابق با نیازهای زندگی امروزی تاکید و اصرار داریم.

امضاء:

اتحاد سراسری بازنشستگان ایران،

شورای بازنشستگان ایران،

گروه اتحاد بازنشستگان،

گروه بازنشستگان مستقل تهران

۳۰/۲/۱۴۰۱

برگرفته از مدیای اجتماعی

جریان نقش مستقیمی در قتل و سرکوب کارگران داشته و گردانندگان از عناصر جنایتکار رژیم اسلامی هستند. با وجود همه اینها، ما شاهد اقدامی از سوی سازمان جهانی کار در قبال این وضعیت و در دفاع از کارگران ایران نیستیم.

سوال ما این است که چرا آی ال او در برابر این سیاست های ضد کارگری، ضد انسانی و جنایتکارانه جمهوری اسلامی در کشوری مثل ایران سکوت میکند؟ چنین رژیمی که در سرکوب و جنایت در جهان رکورد دارد، رژیمی که کارگران را دستگیر و زندانی میکند و حتی در مواردی شلاق زده است، نه فقط جایش در سازمان جهانی کار نیست بلکه باید دست اندرکارانش در دادگاه های بین المللی به جرم جنایت علیه بشریت محاکمه شوند. این رژیم باید از سازمان بین المللی کار و از تمام نهادهای بین المللی اخراج شود.

همانطور که رژیم آپارتاید نژادی آفریقای جنوبی در قرن گذشته با بایکوت و انزوای بین المللی مواجه شد، رژیم آپارتاید جنسیتی و نقض فاحش حقوق

معیشت و زندگی اکثریت جامعه دارد. در مقابل اعتراضات برحق و طبیعی مردم مخصوصاً مزدبگیران، بی ثبات کاران و لشکر عظیم بیکاران، حکومت همچون سابق با مشت آهنین و سرکوب پاسخ میدهد. سیاستی که علیرغم آزمودن بی ثمر آن، هر بار با سماجت بیشتر بر آن پای میفشارد. ما ضمن محکوم کردن سرکوب، بازداشت و پرونده سازی، در برابر مطالبات برحق کارگران، معلمان، بازنشستگان و در مقابل اعتراضات گسترده و فزاینده ی مردم جان به لب رسیده، خواهان توقف فوری سرکوب و

به اتحادیه های کارگری جهان

حکومت اسلامی ایران باید از سازمان جهانی کار اخراج شود!

خطرناک، و تهدید جانی آنها - همه جنبه های مختلف شکنجه و خطر دائمی برای زندانیان سیاسی محسوب میشوند. قتل بکتاب آبتین نویسنده و شاعر آزادیخواه در سال گذشته یک نتیجه این سیاست بود. اکنون در پایان محاکمه حمید نوری در استکهلم و درخواست حبس ابد دادستان به دلیل مشارکت او در شکنجه و قتل تعداد زیادی از زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ در ایران، رژیم اسلامی برای اعدام پزشک دو تابعیتی ایرانی - سوندی احمد رضا جلالی ضرب الاجل تعیین کرده است. برای رژیم اسلامی، گروگانگیری افراد دو تابعیتی وسیله ای برای باج گیری و اخاذی در سطح بین المللی است.

پروتنکل های ۸۷ و ۹۸ سازمان جهانی کار در مورد آزادی تشکل و قراردادهای دسته جمعی است. اما کارگران در ایران نه تنها از حق تشکل محروم می شوند، بلکه در صورت اقدام به تشکل دستگیر و زندانی می شوند. پروتنکل های ۱۳۸ و ۱۸۲ در مورد ممنوعیت کار کودکان است. در ایران صدها هزار کودک در شرایط بسیار ناهنجار و ناامن و خطرناک کار می کنند.

به اصطلاح "خانه کارگر" که آی ال او آنرا عنوان نماینده کارگران در ایران برسمیت شناخته و عضو این سازمان هستند، یک سازمان حکومتی است و در میان کارگران و مردم منفور است. این

کنفرانس سازمان جهانی کار در پیش است و ما از شما می خواهیم که در این کنفرانس خواهان اخراج حکومت اسلامی ایران از سازمان جهانی کار شوید. حکومت اسلامی به دستگیری و آزار معلمان و فعالان کارگری شدت داده است. دستگیری های دسته جمعی و احکام سنگین زندان برای فعالان کارگری گسترش یافته است. معلمان و کارگران به دلیل اعتراضات و دفاع از حقوق پایه ای خود زندانی میشوند. بسیاری از فعالان و مدافعان حقوق کارگران، معلمان و کودکان با اتهاماتی نظیر "تهدید علیه امنیت ملی"، "اخلال در نظم"، "اجتماع و تبانی علیه نظام"، و "توهین به رهبری"، به زندان محکوم شده اند. در حال حاضر ۱۱ تن از دستگیر شدگان روز جهانی کارگر و ۲۵ نفر از معلمان، کارگران و مدافعان حقوق کارگران به همراه بسیاری دیگر از زندانیان سیاسی در زندان به سر می برند. همین امروز نیز با اوج گیری اعتراضات مردمی علیه فقر و گرانی دستگیری ها شدت گرفته است و بنا بر خبرها چندین نفر از معترضین به ضرب گلوله ماموران انتظامی حکومت به قتل رسیده اند.

از سوی دیگر در درون زندانها فشار بر کارگران و فعالان سیاسی زیاد است: محرومیت از دارو، بستن آب گرم، آزار و اذیت و شکنجه، نگه داشتن زندانیان سیاسی در یک مکان با زندانیان عادی و

رکودن قیمت ها....

از صفحه ۱۸

نتیجه مقاومت و اعتراض به این شرایط را هم اکنون در کف خیابانهای شهرهای مختلف شاهدیم. اعتراضاتی که چه بشکل تجمع و گردهمانی توسط معلمان، کارگران و بازنشستگان و سایر جنبشهای مطالباتی بصورت مستمر انجام میگیرد و چه اعتراضاتی که هم اکنون علیه انفجار قیمت ها و جراحی اقتصادی در کف خیابانها جاریست، منشاء و ماهیتی یکسان داشته و ریشه در تعرض بیسابقه به

خدمات عمومی و کالائی شدن خدمات اجتماعی، مقررات زدایی بویژه در قوانین و قراردادهای کار، سرکوب احزاب و تشکل های کارگری و معیشتی مستقل، نتیجه ای جز فلاکت عمومی را در بر نداشته است. سیاستی که در طول عمر دولت های سرمایه داری پس از انقلاب بوضوح اعمال شده و ناتوانی این دولتها در پاسخ دادن به مطالبات کارگران و سایر مزدبگیران هر بار آشکار تر شده است. در

یکصد و متحده خوانان آزادی و بازگشت بکارتامی، همکاران در زندان باشیم.

برگرفته از مدیای اجتماعی

رانندگان خطوط بی آرتی با اعتصاب متحده و با شکوه و بی نظیر و حمایت کارگران تعمیرگاهها و توقفگاهها، و تعدادی از بخش اداری توانستند شهردار و مدیریت شرکت واحد را که با آگاهی کامل دست درجیب کارگران کرده بودند و قصد داشتند مصوبه شورای عالی کار را دور بزنند، را به عقب نشینی و پذیرفتن مطالبات و ابدارند.

رانندگان هم آنقدر منسجم و یکپارچه اقدام به برگرداندن اتوبوس ها به توقف گاهها کردند و با ابتکار جمع شدن مقابل سامانه سه، فرصت سرکوب نیروی های امنیتی را از بین بردند.

در عرض چند ساعت صدها راننده از سامانه های دیگر خودشان را به محل تجمع سامانه ۳ مقابل دفتر مدیرعامل رساندند.

شهردار و مدیرعامل مجبور شدند در محل تجمع رانندگان در مقام پاسخگو بایستند.

این اتحاد و همبستگی، فرصت هر نوع فریب کاری و وعده های دروغین را از زاکانی و نکاحی گرفت و به اجبار چهل درصد بطور موقت و علی الحساب درفیش حقوقی رانندگان منظور گردید و این موفقیت یادآور اتحاد و یکپارچگی اعتصابات دی و بهمن ۸۴ است.

هرچند که عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و مسئله مسکن که سالهاست علیرغم تمامی پیگیری های اعضای سندیکا همچنان بر زمین مانده و نیاز به یک انسجام و همبستگی متحده دیگر دارد، چرا که تمام منابع مسکن و اعتبارات آن در اختیار فردی بنام کشاورزبان است که از افسران بازنشسته نیروی انتظامی است که نه تنها هیچ سمتی در شرکت واحد ندارد، بلکه هیچ دغدغه و دلسوزی هم نسبت به کارگران و کارکنان اتوبوسرانی ندارد.

البته اعتصاب روزهای ۲۶ و ۲۷ اردیبهشت هم مانند اعتصابات دی و بهمن ۸۴ یکبار دیگر نشان داد تا اعتراض و اعتصاب نباشد نه تنها مسئولین

پاسخگو نیستند بلکه دست خود را تا آرنج درجیب کارگران میبرند و هرگز درمورد سرکوب و تفرقه انداختن بین کارگران کوتاهی نخواهند کرد، بطوری که تا امروز هنوز یازده تن از رانندگان معترض در زندان اوین هستند.

همچنین دوتن از اعضای فعال و تاثیر گذار رضا شهابی و حسن سعیدی به اتهامات واهی در بند انفرادی ۲۰۹ زندان اوین محبوس هستند.

بی تفاوتی مسئولین و مدیران در پاسخگویی به رانندگان شرکت واحد فقط با عدم اعتراضات رانندگان میسر خواهد بود و میتواند امکان سرکوب را به کارفرما و عوامل امنیتی بدهد.

همکاران حق طلب و حق خواه،

امروز به دلیل اعتصاب باشکوه و منسجم چندروز گذشته کارفرما را مجبور به عقب نشینی کردید بطوری که موقتاً با خواست بحق شما موافقت کردند، اما درکنارش عوامل حراست و امنیتی هم تعدادی از همکاران را بازداشت کردند که هم اکنون یازده نفر از رانندگان معترض همچنان در زندان اوین زندانی هستند و برای تعدادی هم پرونده سازی کردند.

بطوری که قرار وثیقه های ۵۰۰ میلیون تومانی از سوی دادسرای اوین برایشان صادر کرده اند.

تاکید داریم نه تنها باید بازداشتی های اعتصابی را دریابیم و به فکر آزادیشان باشیم، بلکه باید به فکر دوتن از اعضای سندیکا رضا شهابی و حسن سعیدی هم که همچنان در بند انفرادی ۲۰۹ زندان اوین میباشند، باشیم.

امروز اتحاد و همبستگی شما موقعیت خوبی ایجاد کرده است که توجهی هم به اخراجی های چندین ساله گذشته سندیکای کارگران شرکت واحد هم نکنیم که سالهاست به دلیل دفاع از همین مطالبات بحق همکارانشان اخراج شده اند و تا کنون با اقدامات فراقانونی عوامل امنیتی از بازگشت بکارشان جلوگیری کرده اند و نباید با گذشت زمان و فرسایشی کردن اخراج همکاران رضاشهابی، حسن سعیدی و ناصر محرم زاده و خانم فرحناز شیری و حسین کریمی سبزواری را

هم از یاد ببریم چرا که در آن زمان هم مانند همین همکاران بازداشتی اعتصاب چند روز گذشته، این اعضای اخراجی سندیکا به دلیل شرکت در اعتراضات جمعی از کار اخراج شده اند.

اسامی بازداشتی های اعتصاب.

۱- وحید فریدونی ۲- فریبرز سجادیپور
۳- محسن قزایی ۴- حامد اصغری ۵-
علی صمص خانی ۶- جوادصادقی ۷-
محمد علی عبادداری ۸- علی اصغر
آشناس ۹- محسن کبیری دور ۱۰- احد
صالح پور ۱۱- ابراهیم گورانی

سندیکای کارگران شرکت واحد با تمام توان و امکانات از مطالبات بحق رانندگان و کارگران شرکت واحد پشتیبانی میکند و



بازداشت تمامی رانندگان اعتصابی اخیر و بازداشت رضا شهابی و حسن سعیدی و حمله وحشیانه عوامل امنیتی و شکستن درب ساختمان و درب ورودی منزل داود رضوی دیگر عضو سندیکا را به قصد دستگیری قویا محکوم می کنیم و خواستار آزادی تمامی بازداشت شدگان هستیم و همچنین خواستار بازگشت بکار همه ی رانندگان حق طلب و حق خواه اخراجی میباشیم. (سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه)

رها کردن قیمتها، تعلل در پرداخت افزایش حقوقها، پرونده سازی و سرکوب مردم محکومست!

زیر خط فقر را تجربه میکنیم و برای برخورداری از معیشت مناسب، تلاش کردیم با برگزاری تجمع های مطالباتی و اعتراضی و صدور بیانیه ها صدای خود را بگوش مقامات و مسئولان و تصمیم گیران برسانیم اما تا کنون پاسخی دریافت نکرده ایم. در مقابل موجی از گرانیهای بیسابقه که کل جامعه را ملتهب و متشنج کرده است، دولت افزایش حقوق بازنشستگان است. کشور و لشکری را بشکلی حقیرانه و توهین آمیز فقط ده درصد اعلام کرده است. در مورد بازنشستگان تامین اجتماعی حتی به میزانی که در شورای عالی مزد مصوب کرده اند علیرغم اینکه جوابگوی چنین وضعیتی از گرانی های کمرشکن نیست، با اینحال دولت از تانید مصوبه مربوطه امتناع کرده و آشکارا با زیرپا گذاشتن قوانین و مصوبات خود باعث اعتراضات گسترده تر و خشمگین تر بازنشستگان خواهد شد.

اتخاذ سیاست ها و برنامه های نئولیبرالی با خصوصی سازی های گسترده آنهم بشکل رانت و رابطه در میان صاحبان نفوذ و دایره قدرت، حذف سوبسیدها و دستاوردهای مبارزات کارگران در حوزه

سرکوب، بازداشت و پرونده سازی، سیاست شکست خورده ای در برابر مطالبات بحق کارگران، معلمان، بازنشستگان و اعتراضات گسترده و فرایند مردم جان به لب رسیده است. بازنشستگان یک سوم از دستمزد ماهیانه دوران اشتغال خود را در صندوق های بازنشستگی سرمایه گذاری کرده اند. در نتیجه معیشت مناسب مطابق با هزینه های زندگی امروزی از منابع صندوقها از ابتدایی ترین حقوق آن هاست.

در شرایطی که هنوز زیر بار تورم بیش از ۵۰ درصدی سال گذشته هستیم دولت عامدانه و بطور سیستماتیک سونامی افزایش قیمت ها را بر سرمان آوار کرده ست. دوماه از سال گذشته و بازنشستگان همراه با کارگران و عموم مردم ناباورانه شاهد شوک نفس گیر افزایش قیمت ها بدون افزایش حقوق مطابق با هزینه های واقعی زندگی هستند. جراحی اقتصادی اعلام شده با حذف آخرین سوبسیدها، زندگی مزدبگیران شاغل و بازنشسته و توده های وسیع مردم را با افزایش فقر و فلاکت و تشدید شکاف طبقاتی بیسابقه ویران کرده است.

سالهاست که ما بازنشستگان زندگی